



 **Mīrhusayn Mu‘ammā’ī Nishābūrī’s *Dastūr-i Mu‘ammā***

  Mozhdeh Kamalifard<sup>1</sup>

 Yahya Talebian<sup>2</sup>

Revised: 13 -06- 2023 Accepted: 18 -06- 2023 Published: 20 -03- 2024 pp.4-48

### Abstract

There seems to be an enormous research gap in the study of literary wordpuzzles, which practically covers various areas of inquiry from literary history and investigation into their functions and applications to the revival of manuscript copies and explanation of the rules and procedures of puzzle making. Mīrhusayn Mu‘ammā’ī Nishābūrī (d. 904/1499), who followed ‘Abd al-Rahmān Jāmī in composing wordpuzzles and was a prominent puzzle maker of the 9th/15th and 10th/16th centuries himself, wrote a treatise on the rules and procedures of puzzle making entitled *Dastūr-i Mu‘ammā*. The treatise, completed in 904/1499, contains 650 literary wordpuzzles composed by the author together with brief notes on puzzle making rules and procedures. More than one hundred manuscript copies of the treatise have been preserved at libraries across Iran and the world. The complexity of the puzzles distinguishes the treatise from other works of the same genre, prompting various literary scholars to write commentaries and provide explanatory notes on the puzzles from its completion in the 10th/16th century to the 12th/18th century. In order to fill part of the research gap and revive an important treatise on word puzzles, *Dastūr-i Mu‘ammā* was critically edited on the basis of MS 4495/1 preserved at the Central Library and Documentation Center of the University of Tehran as the base copy, adopting an eclectic method of emendation and providing a systematic method for the explanation and solution of the puzzles.

**Keywords:** Mīrhusayn Mu‘ammā’ī Nishābūrī, Literary wordpuzzle, riddle, *Dastūr-i Mu‘ammā*, codicology, manuscriptology.

### CONFLICT OF INTERESTS

The authors declare that there is no conflict of interest regarding the publication of this paper.

© Authors, Published by Journal of Codicology and manuscript research. This is an open-access paper distributed under the CC BY (license <http://creativecommons.org/licenses/by/4/0>)



<sup>1</sup>. Ph.D. graduate of Persian Language and Literature, Department of Persian literature group. Faculty of Persian Literature and Foreign Languages. Allameh Tabatabaei University. Tehran. Iran.

<sup>2</sup>. Professor of Persian Language and Literature, Department of Persian literature group. Faculty of Persian Literature and Foreign Languages. Allameh Tabatabaei University. Tehran. Iran.



## References

- Alkar (Alkar?), Mohammad, [Treatise on Riddles], Manuscript No. 2/490, Malek Library, copied by Mohammad ibn Hossein ibn Salamullah Abruqei, 851 AH.
- Anvar, Abdullah, Catalogue of Manuscripts of the National Library of Iran. Tehran, National Library of Iran, 1371 SH, Vol. 4.
- Anvari, Hassan, The Great Dictionary of Speech. Tehran, Sokhan, 1382 SH, 6 vols.
- Bavaqar Zaemi, Elham, 1389 SH, Editing of the Manuscript "Solving the Riddle" by Zia Ardabadi, Master's Thesis, Islamic Azad University, Najafabad Branch, 1389 SH, 290 pages.
- Badi' Tabrizi, Manouchehr, Matlub al-Ahbab, Manuscript No. 3/490, Malek Library, copied by Mohammad ibn Hossein ibn Salamullah Abruqei, 851 AH.
- Jami, Nur al-Din Abd al-Rahman, Hilyat al-Hulal, known as the Great Treatise, edited by Najib Mayel Haravi. Mashhad, Navid, 1361 SH, 169 pages.
- Jahanbakhsh, Juya, Guide to Text Editing, Tehran, Miras-e Maktub, 1378 SH, 106 pages.
- Habibi Afghani, Abdul Hay, Storytelling with Allegory in Old Dari Poetry, edited by Mohammad Sarwar. Kabul, Academy of Sciences of Afghanistan, Scientific and Research Center of Languages and Literature, Dari Department, 1360 SH, 40 pages.
- Haider Mirza Dughlat, Mohammad, Tarikh-i Rashidi, edited by Abbas Qoli Ghafari-Fard. Tehran, Miras-e Maktub, 1383 SH, 211 and 859 pages.
- Khandmir, Ghyath al-Din, Ma'athir al-Muluk with the appendix of Khatimat Khulasat al-Akhbar and Qanun Humayuni, edited by Mir Hashem Mohaddeth. Tehran, Rasa Cultural Services, 1372 SH, 372 pages.
- Draiti, Mostafa, Catalog of Iranian Manuscripts (DENA). Tehran, Library, Museum and Documentation Center of the Islamic Consultative Assembly, 1389 SH, 12 vols.
- ———, Catalogue of Iranian Manuscripts (FANKHA). Tehran, National Archives and Library Organization of Iran, 1392 SH, 15 vols.
- Dehkhoda, Ali Akbar, Dictionary, under the supervision of Mohammad Moein and Jafar Shahidi. Tehran, University of Tehran, Dictionary Organization, 1377 SH, 15 vols.
- Romlu, Hasan, The Best of Histories, edited and annotated by Abdolhossein Navai. Tehran, Asatir, 2005, 3 vols.
- Shamilpour, Hadi, Critique and Edition of Hallal Motarraz in the Art of Riddles and Puzzles, PhD Dissertation, Payame Noor University, Tehran Branch, 2015, 705 pages.
- Fakhri Heravi, Lataifnameh: Translation of Majalis al-Nafa'is by Amir Ali-Shir Nava'i, edited and researched by Hadi Bidaki. Tehran, Dr. Mahmoud Afshar Endowment Foundation, Sokhan, 2019, 654 pages.
- Kamali-Fard, Mozhdeh, Talebian, Yahya, "The Oldest Persian Riddling Treatise," Research in Codicology and Textual Criticism, Volume 1, Issue 2, pp. 43-58, October 2022.
- Mayel Heravi, Najib, Critique and Edition of Texts: Stages of Codicology and Methods of Editing Persian Manuscripts. Mashhad, Astan Quds Razavi, 1990, 504 pages.

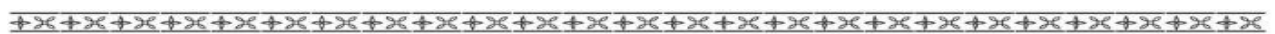






Studies

Original Paper

Report and Review

- ———, History of Manuscript Preparation and Critical Edition of Manuscripts. Tehran, Library, Museum and Documentation Center of the Islamic Consultative Assembly, 2001, 672 pages.
- Maalouf, Louis, Al-Munjid Arabic-Persian Dictionary, translated by Mohammad Bandar Rigi. Tehran, Iran, 2005, 2 vols.
- Nasr Abadi, Mohammad Taher, Tazkereh Nasr Abadi: Tazkereh al-Sho'ara with the addition of treatises, writings and poems, introduction, editing and annotation by Mohsen Naji Nasr Abadi. Tehran, Asatir, 1999, 2 vols.
- Vali Dagestani, Aliqoli, Tazkereh Riyaz al-Sho'ara, edited and researched by Mohsen Naji Nasr Abadi. Tehran, Asatir, 2004, 2 vols.



رسالهٔ دستور معمای میرحسین معمايي یحیی طالبیان مژده کمالی فرد  

از صفحه ۴ تا صفحه ۴۸ تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۲۷ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۳/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۲۷ تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۱/۰۱

## چکیده

در پژوهش‌های ادبی فقدان بزرگی در حوزهٔ معماسرایی از جنبه‌های تاریخ ادبیات، کارکردها و کاربردها، احیای متون خطی، و قواعد و اعمال معمايي وجود دارد. میرحسین معمايي نیشابوری (۹۰۴ق) که در معماسرایی شاگرد عبدالرحمان جامی بود و سرآمد معماسرایان قرن ۹ و ۱۰ به شمار می‌رفت، رساله‌ای به نام دستور معما دارد. این رساله که نگارش آن در ۹۰۴ق پایان یافت حاوی ۶۵۰ معمای ادبی از مؤلف، و توضیحاتی بسیار مختصر دربارهٔ اعمال و قواعد معمايي است. بیش از صد نسخهٔ خطی از این رساله در کتابخانه‌های ایران، و نسخ متعددی در دیگر کتابخانه‌های جهان نگهداری می‌شود. پیچیدگی معماهاي این رساله آن را از دیگر رسائل معمايي متمایز کرده است به گونه‌ای که از همان زمان تا سدهٔ ۱۲ق افراد متعددی به شرح و توضیح معماهاي آن اقدام کرده‌اند. به منظور رفع این خلأ پژوهشی و احیای یکی از رسالات معمايي، رسالهٔ دستور معما بر مبنای نسخهٔ اساسی نسبی که نسخهٔ ۴۴۹۵/۱ کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران بود، تصحیح انتقادی گردید و معماهاي آن با روشی قاعده‌مند شرح شد. در این جستار ضمن معرفی این نسخه و ویژگی‌های آن، و توضیح برخی قواعد و اعمال معمايي که آگاهی از آن‌ها برای گشودن معماها ضروری است، چند نمونه از معماها نیز حل می‌شوند. در پایان کار تصویر چند صفحه از نسخه‌ای که گمان می‌رفت به خط مؤلف باشد به دست آمد، اما این نظر برای نگارنده مسجل نشد که آن ذکر گردید. این مقاله برگرفته از رسالهٔ دکتری است.

کلیدواژگان: معمايي نیشابوری، معمای ادبی، دستور معما، نسخه‌شناسی.

**Cite this article:** kamalifard, Mozdeh; Talebian, Yahya. (2024) Mīrhusayn Mu‘ammā’ī Nishābūrī’s Dastūr-i Mu‘ammā. Journal of Codicology and Manuscript Research (JCMR) (In Persian: Pizhūhish/hā-yi nuskah/shināsī va taṣṭīḥ-i mutūn). vol-5, Issue-1, 4-48. <https://doi.org/10.22034/crtc.2023.173009>

۳. (نویسندهٔ مسؤول) دانش آموختهٔ دکتری زبان و ادبیات فارسی. گروه زبان و ادبیات فارسی. دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی. دانشگاه علامه طباطبایی. تهران. ایران. [mzhdhkamali@gmail.com](mailto:mzhdhkamali@gmail.com)
۴. استاد زبان و ادبیات فارسی، گروه زبان و ادبیات فارسی. دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی. دانشگاه علامه طباطبایی. تهران. ایران.



## ۱. کلیات

### ۱.۱. مقدمه

ادبیات هنری است بر بستر زبان. آمیختگی عناصر هنری و زبانی، زبان ادبی را که یکی از پایه‌های ادبیات است، شکل می‌دهد. از دیر باز سنجه‌هایی برای تمییز زبان ادبی از زبان عادی تعیین شده که در عربی و فارسی در علوم بلاغی جای گرفته‌اند. بدیع که از شاخه‌های بلاغت سنتی است، شناسایی و بررسی صنایع و ترفندهایی را برعهده دارد که موجب زیبایی کلام می‌شوند. ترفندهای بدیعی در سیر تاریخی‌شان دوره‌های اوج و افول داشته‌اند؛ صنعت تعمیم هم استثنا نیست.

معمایردازی که از دیر باز کمابیش مورد توجه شاعران بود و در سده‌های ۹ تا ۱۱ ق به اوج رسید، اکنون در ورطه فراموشی فرورفته است. دست‌نوشته‌های متعدد معمائی صرفاً در مخازن کتابخانه‌ها و مراکز پژوهشی نگهداری می‌شوند و کمتر کسی به سراغ آن‌ها رفته تا گرد و غبار زمان و فراموشی را از چهره آن‌ها بزداید و آن‌ها را احیاء کند. در این جستار تلاش بر این است که ضمن معرفی یکی از نام‌دارترین معما سرایان سده ۹ یعنی میرحسین معمائی نیشابوری و رساله دستور معمای وی؛ گزارشی از تصحیح انتقادی این رساله و نسخ اساس و بدل‌ها ارائه گردد.

### ۱.۲. معمای ادبی و تفاوت آن با لغز

معما در لغت اسم مفعول یا اسم مکان از مصدر تعمیم است به معنای آنکه کور شده، مفهومی پیچیده و پنهان، مکان پوشیده؛ همچنین سخن دشوار، پوشیده و رمزآمیز (المنجد، ذیل «عمی»؛ لغت‌نامه دهخدا ذیل «معما»). در معنای تعمیم آمده است: پوشاندن حقیقت به قصد فریب و بیان مطلبی به طریق معما (فرهنگ بزرگ سخن، ذیل «تعمیم»).

در اصطلاح عام با لغز و چیستان یکسان دانسته شده؛ و آن سخنی است که در آن اسم چیزی یا کسی یا موضوعی به طور رمز و پوشیده با قرآینی مطرح شود و از خواننده خواسته شود با دقت در قرآین آن اسم را پیدا کند. معمایی را که «به صورت پرسش منظوم درباره چیزی باشد و با دادن نشانی‌های آن که معمولاً با «چیست آن؟» شروع شود» چیستان گویند (همان، ذیل «معما» و «چیستان»). لغز که در لغت به معنای سوراخ موش و سوسمار و مانند این‌هاست، در معنای چیستان به کار رفته است (لغت‌نامه دهخدا، ذیل «لغز»).



در بلاغت معما با لغز و چيستان تفاوت دارد. در منابع بدیع تعاریفی برای آن ارائه شده که از جمع‌بندی آن‌ها این تعریف به دست می‌آید: «معما کلامی است ادبی و سنجیده که گوینده به قصد اسمی یا مفهومی را با استفاده از قواعدی مشخص نظیر فنون بلاغی یا محاسبات ریاضی یا قواعدی دیگر در آن مخفی کرده است؛ دلالت به کارگرفته برای یافتن آن اسم یا لفظ مشخص باید مقبول طبع سلیم و ذهن فهیم باشد. معما گفتن را تعمیه می‌گویند». از تفاوت‌های معما با لغز و چيستان می‌توان به این موارد اشاره نمود:

– «فرق میان معما و لغز آن است که در معما انتقال به اسم است و در لغز به مسمی» (محمد آل کر، ۸۵۱ ق: ۹).

– در لغز و چيستان محاجات وجود دارد و هدف آن سنجش هوش و قدرت ذهنی مخاطب است، اما در معما قطع نظر از معنای معمائی، بیت باید معنای کاملی داشته باشد و آشکار نباشد که در آن اسمی پنهان شده است (بدیع تبریزی، ۸۵۱ ق: ۵۷).

– در لغز و چيستان ویژگی‌ها و صفات چیزی بیان می‌شود ولی در معما به ویژگی‌ها و صفات مورد معما اشاره‌ای نمی‌شود.

– برای کشف معما باید به قواعد و دانش‌هایی واقف بود، صرف تیزهوشی و ادراک قوی کفایت نخواهد کرد؛ دانش‌هایی مثل حساب جمل، بلاغت و بدیع. معما قاعده‌مند است و بر پایه اصولی شکل می‌گیرد ولی لغز چنین نیست.

قدیم‌ترین لغز فارسی برجامانده، دربارهٔ **قلم** است و در قطعه‌ای از رودکی سمرقندی (-۳۲۹ ق) دیده می‌شود:

لنگ دونده است، گوش نی و سخن‌یاب	تیزی شمشیر دارد و روش مار
گنگ فصیح است، چشم نی و جهان‌بین	کالبد عاشقان و گونهٔ غمگین

پاسخ این معما قلم است که می‌تواند «خامه» هم باشد، یعنی انتقال به مسمی است نه عین لفظ و اسم؛ اما در معما عین لفظ مراد است. ویژگی‌های قلم در این ابیات به قصد محاجات ذکر شده، حال آنکه در معما ویژگی‌ها و صفات مقصود ذکر نمی‌شود. برای رسیدن به پاسخ این معما آشنایی با دانش خاصی ضرورت ندارد، اما برای رسیدن به پاسخ معما آگاهی از دانش‌هایی مانند حساب جمل، بدیع و صنایع آن، واژه‌شناسی (به‌ویژه مترادف‌ها)،



و مهارت حل مسئله و رمزگشایی ضروری است. نکته مهم دیگر آن است که در معما «دلالت» در رسیدن به مقصود بسیار مهم است، منظور از دلالت روش و قاعده‌ای است که برای رسیدن به پاسخ به کار گرفته می‌شود (نمونه‌ای از به کار گرفتن قواعد و روش، در بخش ۴ مقاله دیده می‌شود).

### ۳.۱. آثار و رسالات معمائی

شاعران متعددی از دیرباز در معما طبع‌آزمایی کرده‌اند و اشعاری به معما سروده‌اند. عبدالحی حبیبی بر این باور است که رودکی ابیاتی در معما دارد. نمونه‌هایی از او و دیگر شاعران آن دوران ذکر می‌کند و آن‌ها را حل می‌نماید (۱۳۶۰: ۹-۲۵). در دیوان شاعرانی چون عثمان مختاری، سنایی، خواجه‌ی کرمانی، کمال‌الدین مسعود خجندی، و ده‌ها شاعر دیگر معما دیده می‌شود؛ اما دوره اوج معماسرایی را قرن‌های ۹ تا ۱۱ ق دانسته‌اند. به تدریج با پیشرفت معما سرایی پیچیدگی آن بیشتر گردید، و علوم و فنون ادبی و حسابی متنوعی در آن به کار گرفته شد. پیچیدگی معماها سبب شد رساله‌های معمائی شکل گیرند. رساله‌های متعددی برای معماگشایی تدوین شدند که در آن‌ها قواعد و اصول معما ذکر شده بودند. به نظر می‌رسد قدیم‌ترین رساله باقی‌مانده متعلق به منوچهر بدیع تاجر تبریزی باشد به نام مطلوب الاحباب که احتمالاً ابتدای قرن ۹ ق تألیف شده است (کمالی‌فرد و طالبیان، ۱۴۰۱: ۴۳-۵۸). پس از وی رساله‌ها و کتاب‌های معمائی متعددی نوشته شد که جامع‌ترین و دقیق‌ترین آن‌ها حل مطرز در فن معما و لغز اثر شرف‌الدین علی یزدی است. عبدالرحمان جامی چهار رساله در معما دارد: ۱. حلیة‌الحلل یا رساله کبیر، ۲. رساله متوسط، ۳. رساله صغیر، ۴. رساله موزون یا منظوم. معمائیان متعددی از جامی تبعیت کرده و به نگارش رساله معمائی روی آوردند، افرادی چون: سیف بخارایی، شریف معمائی، محمد معمائی، نظام استرآبادی، شهاب حقیری هروی، میرحسین شفیعی نیشابوری، حسین بن معین‌الدین میبدی، کمال بدخشی، میرحیدر کاشی، و دیگران. از مشهورترین شاگردان جامی میرحسین معمائی نیشابوری است. رساله او در معما شهرت دارد و بسیار مورد مراجعه بوده است.

ساختار همه رساله‌های معمائی شبیه هم نیست. در برخی قواعد دسته‌بندی شده‌اند مانند رساله‌های عبدالرحمان جامی و در برخی قواعد بدون نظم و دسته‌بندی پشت هم ذکر شده‌اند نظیر رساله ۲۴ اصل از محمد



آل کر<sup>۵</sup>. برخی رساله‌ها مقدمه‌ای مصنوع دارند که اغلب حاوی تحمیدیه، نام رساله، مؤلف و ممدوح (یا آنکه رساله به او تقدیم شده) می‌شود. برخی دیگر مقدمه مصنوع ندارند و گاه نام اثر و مؤلف هم نیامده است. به نظر می‌رسد رساله‌هایی که در کانون ادبی هرات تألیف یافته‌اند ساختاری مشابه دارند همچنین رساله‌هایی که به تقلید و تبعیت از آن‌ها تدوین یافتند. در همه رساله‌ها معماها در قالب شعر بیان شده‌اند. برخی رساله‌ها صرفاً حاوی معماهای مؤلف هستند و برخی دیگر معماهای دیگران را نیز در بر دارند که اغلب با علامت اختصاری نام معماسرا همراه است مثلاً «سع» علامت حافظ سعد است یا «مح» علامت محمد معمائی (آل کر، ۸۵۱ق: ۵۴ - ۵۶).

#### ۴.۱. میرحسین معمائی نیشابوری

در نام کامل و دقیق او اختلاف است. او خودش را چنین معرفی می‌کند: «حسین بن محمد الحسینی» (۹۴۶ق: ۱پ). غیاث‌الدین خواندمیر (۸۸۰-۹۴۲ق) در مآثر الملوک نام «کمال‌الدین حسین» را عنوان قرار می‌دهد (۱۳۷۲: ۲۱۳) ولی در ادامه متن و همچنین حبیب‌السیور او را میرحسین می‌خواند؛ احتمالاً کمال‌الدین لقب وی بوده، یا اینکه شاعر دیگری به نام «کمال‌الدین حسین» معاصرو وی بوده است. در اغلب منابع و همچنین اشعاری که برای وی سروده‌اند به سیادت وی اذعان شده (نصرآبادی، ۱۳۷۸: ۷۲۰/۲)، و بدون هیچ اختلافی نام پدرش «محمد» ذکر شده است. در اشعارش «شفیعی» تخلص می‌کرد و زادگاهش نیشابور بود (همان‌جا؛ واله، ۱۳۸۳: ۱۱۴۲/۲). به این ترتیب نام کامل او را می‌توان چنین ضبط کرد: کمال‌الدین (؟) میرحسین بن محمد حسینی شفیعی نیشابوری مشهور به معمائی نیشابوری.

درباره زمان تولد وی اطلاعی در دست نیست. با آنکه در ریاض الشعراء آمده که احوال او را مبسوط در مجالس و تذکره‌ها نوشته‌اند (واله، ۱۳۸۳: ۱۱۴۳/۲) اما درباره زندگی وی اطلاعات زیادی به دست نیامد.

در معماسرای شاکرد عبدالرحمن جامی (۸۱۷-۸۹۸ق)؛ و از مقرّبان امیر علی شیر نوایی (۸۴۴-۹۰۶ق) بود و در سفر و حضر او را همراهی می‌نمود: «آن جناب (میرحسین) همواره در مدرسه شریفیه اخلاصیه<sup>۶</sup> روزگار

۵. ضبط دقیق این نام مشخص نشد. به شکل‌های الکر، الکر، و آل کر در نسخ خطی آمده است.

۶. کانون اخلاصیه در هرات از موقوفات امیر علی شیر نوایی بود که مانند ربع رشیدی هم مدرسه داشت و هم مسجد و هم دارالحفاظ و هم خانقاه. افزون بر این دانشمندان و طالبان علم در آنجا به کتابت و نسخه‌نویسی می‌پرداختند (مایل هروی، ۱۳۸۰: ۱۱۱-۱۱۲). این مرکز بین سال‌های ۸۸۰ تا ۸۸۶ق ساخته شده بود ولی



گذرانید و عالی حضرت خداوندی (علی شیر نوایی) به مرتبه‌ای در تعظیم و احترام و اکرام و انعامش مبالغه و اهتمام می‌فرمود که مزیدی بر آن متصور نبود، چنانچه در سفر و حضر مفارقتش را جایز نمی‌شمرد، بلکه به هر طرف توجه می‌نمود آن جناب را اقبال آسا همراه می‌برد» (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۲۱۳).

افزون بر مهارت بالا در معمارسرای، شاگردانی نیز در معمارسرای داشت و گفته شده که بسیاری از معمارسرایان بعدی شاگرد وی بوده‌اند (فخری هروی، ۱۳۹۸: ۲۴۴).

از ممدوحانی که برای آن‌ها معما سرود به این شاهان و شاهزادگان تیموری می‌توان اشاره نمود: سلطان حسین بایقرا (۸۴۲ - ۹۱۱ ق)، بابر (ح ۸۵۳ - ۸۶۱ ق)، محمدبن بابر (ح ۸۶۱ - ۸۶۳ ق)، ابوسعید (ح ۸۶۳ - ۸۷۳ ق)، یادگار محمد (ح ۸۷۳ - ۸۷۵ ق)، و بدیع‌الزمان (ح ۹۱۲ ق).

در نهم ذی‌القعدة ۹۰۴ بر اثر بیماری گوارشی درگذشت و در گنبد مدرسه اخلاصیه مدفون گردید (روملو، ۱۳۸۴: ۳۷/۱). صادق رکنی، شاعر و شاگرد میرحسین، این ماده تاریخ را در وفات او سروده است:

سید حسین قدوة ارباب فضل بود	بر اهل تعمیه همه فایق افتاده بود
رفت از جهان فانی و تاریخ فوت او	با «هجرت رسول» مطابق فتاده بود

از میرحسین فقط آثار معمائی بر جای مانده و به تصریح حیدر میرزا دوغلات فقط معما می‌سروده است (۱۳۸۳: ۱۳۴). آثاری که از او باقی مانده‌اند عبارت‌اند از: (۱) دستور معما؛ (۲) مثنوی نود و نه نام خدا؛ و (۳) غزلی در معما برای سلطان حسین بهادر بایقرا.

## ۲. پیشینه پژوهش

درباره میرحسین و رساله دستور معمائی وی فقط در یک اثر نشانه‌هایی یافته شد. از رساله‌های معمائی نیز تا کنون فقط چند

امروز از آن چیز زیادی باقی نمانده است. برای اطلاعات بیشتر به این منبع مراجعه شود: وحیده عقیفی، مریم طلایی، و اصغر فهیمی فر. «ارائه طرح مجتمع اخلاصیه هرات (۸۸۰ - ۸۸۶ ق)». معماری و شهرسازی آرمان شهر، شماره ۲۵ (زمستان ۱۳۹۷): ۹۷ - ۱۰۹.



اثر تصحیح یا چاپ شده‌اند:

۱. تصحیح نسخه خطی حل معما اثر ضیای اردوبادی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، الهام باوقار زعیمی، ۱۳۸۹ دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد. رساله حل معما اثر ضیاء اردوبادی (قرن ۹-۱۰ ق) در شرح رساله دستور معمای میر حسین نیشابوری نوشته شده است. پژوهشگر هیچ توضیحی برای رساله حل معمای اردوبادی و فقط متن را مقابله کرده است. از نقاط ضعف این رساله: (۱) متن دستور معمای میر حسین از رساله حل معمای ضیاء‌الدین اردوبادی جدا نشده و معلوم نیست کدام بخش اثر میر حسین است و کدام بخش نوشته ضیاء اردوبادی. (۲) در خوانش متن لغزش‌هایی وجود دارد و اشتباهاتی در نقل رساله میر حسین به چشم می‌خورد. (۳) مقدمه و کلیات بسیار ناقص است همراه با اشتباهات؛ برای مثال ذکر می‌شود جامی شرحی بر دستور معمای میر حسین نوشته، در حالی که جامی سال‌ها قبل از تألیف دستور معما فوت کرده است.

۲. نقد و تصحیح حل مطرز در فن معما و لغز شرف‌الدین علی یزدی، رساله دکتری، هادی شمیل‌پور، دانشگاه پیام نور تهران، ۱۳۹۴. در این رساله هیچ شرح و توضیحی درباره معماها داده نمی‌شود. در تعریف معما و بیان پیشینه نواقص بسیاری وجود دارد. فصل پنجم به متن مصحح کتاب اختصاص دارد بدون هیچ توضیح و شرحی.

۳. حلیة‌الحلل، عبدالرحمان جامی، به کوشش نجیب‌مایل هروی. مشهد: نوید، ۱۳۶۱، ۱۶۹ ص. هیچ توضیحی درباره قواعد معمائی در کتاب نیامده است، و متأسفانه حروف چینی غیر دقیق و فاصله‌گذاری نامناسب سبب شده که ابهام و مشکلاتی در خواندن متن پیش آید.

### ۳. دستور معما

دستور معما به فرموده امیر علی شیر نوایی تدوین، و به او تقدیم شد. در خود رساله نام مشخصی برای آن ذکر نشده ولی در منابع از آن با عناوین معما، دستور معما، معمیات، معمانامه، و کتاب المعما یاد شده (درایتی، ۱۳۹۲: ۵۰۱/۳۰) که دستور معما بیش از همه شهرت دارد، از این‌رو در جستار حاضر از این نام استفاده می‌شود.

### ۳.۱. ساختار رساله

رساله با این عبارت آغاز می‌شود: «**با سمک‌الابتداء یا فتاح**» سپس تحمیدیه‌ای شش‌بیتی با براعت استهلال می‌آید:



معمای جهان را داد ترتیب  
شد از نامش گشاده هر معما  
که التوحید اسقاط الاضافات  
وجود انبیا زو یافت تکمیل  
که آمد تاج او تنصیص لولاک  
علیه و آله صلی و سلم

به نام آنکه از تألیف و ترکیب  
گشایند از معما نام اما  
همین نامی است عالم باقی آن ذات  
نیابد ره بدو تشبیه و تبدیل  
به تخصیص آن شه نه قصر افلاک  
دعاه ربّه باسم مکرم

مؤلف پس از معرفی خود، امیر علی شیر نوایی را می‌ستاید و رساله را به او تقدیم می‌کند: «اما بعد؛ معروض آنکه فقیر حقیر حسین بن محمد الحسینی را چند معمایی بود که درّه مثال از پرتو التفات آفتاب سپهر مکرمت و کمال، نیز اوج عظمت و جلال...» در ادامه ضمن تعریف معما، شرط نظم را که شرف‌الدین علی یزدی نهاده بود، از این تعریف برمی‌دارد و استشهد می‌کند به مثالی دوییتی که پاسخ هر مصراع اسم یا لقبی از علی شیر نوایی است:

جبین ماه فلک دانی از چه پرنور است؟  
مکان پست تو بالای آسمان آمد  
به پیش فرش حریم تو سوده پیشانی  
از آن مکان رفیعی که نبودش ثانی

از جمع پاسخ‌ها یعنی «منوچهر، فانی، اوحده و امان» اسم «نوایی» که تخلص امیرعلی شیر است حاصل می‌گردد. سپس بیان می‌دارد که معماها به نظر استادش جامی رسیده، در تدوین رساله از نظر دسته‌بندی قواعد، چینش مطالب و نظیر این‌ها از روش وی تبعیت کرده، و دسته‌بندی چهارتایی اعمال معمائی از نظرات جامی است: ۱. اعمال تسهیلی؛ ۲. اعمال تحصیلی؛ ۳. اعمال تکمیلی؛ ۴. اعمال تزییلی.

پس از آن برای هر قاعده معمایی منظوم ذکر می‌کند. برای مثال درباره اعمال تسهیلی گفته است: «اعمال تسهیلی چهار است: انتقاد، تحلیل، ترکیب، تبدیل. انتقاد عبارت است از اشارت به بعضی از اجزای لفظ به جهت تصرف در آن به وجهی از وجوه چنانچه عباراتی که فی‌الجمله دلالتی داشته باشد بر ابتدا یا وسط یا نهایت چون سر و تاج و دل و مرکز و حد و غایت، و از ایراد آن حرفی را اراده نمایند؛ چنانکه در اسم اختیار:



ساختی بی سر و پا، بی سر و بی پایان

کردی آشفته و شیدا همه شیدایان را

را»

این روال در تمام رساله تکرار می‌شود. چند عبارت و کلمه در متن تکرار می‌شوند که هر یک بیان‌کننده مطلبی هستند:

و چنانکه (چنانچه) در اسم ... : پس از آن نام و بعدش بیت معما می‌آید؛

پوشیده نماند: ابتدای مطلب جدید با این عبارت مشخص می‌شود. مطابق با آغاز بند (پاراگراف) امروزه؛

شاید که، تواند بود: پس از آن قاعده یا روشی بیان می‌شود، یا استثنائی مطرح می‌گردد؛

به حصول می‌پیوندد، حاصل می‌شود، حصول می‌یابد و ...: پایان توضیح درباره حل معما و آغاز مطلب بعد؛

مقصود بالتمثیل: اشاره به محل استشهاد مؤلف.

پس از ذکر اعمال معمائی و قواعد آن‌ها، بخشی هم در تتمه آمده است. به این ترتیب این رساله در یک مقدمه، چهار بخش (اعمال معمائی)، و یک تتمه تنظیم شده است. رساله با این دو بیت به پایان می‌رسد که معمائی در نام

«میر» است:

چو این نامه را خامه خوش خرام

ز بهر رسیدن به عزّ و شرف

که باشد بر او نیز ختم کلام

بیاراست اول از آن نام به

دستور معما شامل ۶۵۰ معما در ۸۵۵ بیت می‌شود. به جز یک غزل و مثنوی کوتاه بقیه اشعار تک‌بیت (مفرد) یا دوبیتی هستند. این ابیات جدا از معنای معمائی، مفهوم کاملی دارند و مضمون اغلب آن‌ها غنایی است. صنایع بدیعی گوناگونی در آن‌ها به کار رفته که برخی مرتبط با معما هستند و برخی دیگر نه، صنایعی نظیر: واج‌آرایی، تکرار، تصدیر، جناس، تضاد، تناقض، تلمیح، تناسب، ایهام، حسن تعلیل، تلمیح (۲ بیت)، مبالغه (تبلیغ و اغراق)، اشتقاق، شبه‌اشتقاق، و صنایع دیگر. نثر رساله بسیار ساده است. به جز مقدمه، بقیه نثر ویژگی ادبی



خاصی ندارد، نسبتاً موجز است که با هدف نگارش رساله انطباق دارد. از نظر دستوری حذف فعل و استفاده از وجه وصفی در آن زیاد دیده می‌شود.

پاسخ اغلب معماها اسم خاص است که برخی شخصیت‌های تاریخی و ادبی معروف و برخی هم از آشنایان و صاحبان میرحسین هستند.

توضیحات مؤلف درباره اعمال معمائی، روش و ترتیب به کار بستن اعمال، و مثال‌های ارائه شده برای رفع ابهام کافی نیست و خواننده‌ای که پیشینه ذهنی از اعمال معمائی نداشته باشد، کشف معما برایش ساده نمی‌نماید. به عبارت دیگر این رساله برای نوآموزان معما نگارش نیافته و خودآموز نیست. پیچیدگی‌ها و غوامض زیادی دارد و توضیحات مؤلف برای رفع آن‌ها کفایت نمی‌کند. از برخی اصطلاحات و اصول معمائی اصلاً نامی برده نشده و درباره آن‌ها هیچ توضیحی نیامده است، برای مثال «اصول مقومه» و «اصول متممه» یا «لوايح». مطالب و معماها از ساده به سخت، یا آسان به مشکل تنظیم نشده‌اند. از همان ابتدای رساله مثال‌هایی ذکر می‌شود که صرفاً مرتبط با همان قواعد نیست و بدون آگاهی از دیگر اعمال و قواعد معما نمی‌توان آن‌ها را حل کرد. در چینه اعمال و قواعد از منطق خاصی پیروی نمی‌کند برای مثال اگر اعمال تحصیلی یا تکمیلی قبل از اعمال تسهیلی بیان می‌شد هیچ فرقی نمی‌کرد. پیوستگی میان مطالب عمیق نیست به راحتی می‌توان بخش‌ها را جابه‌جا کرد، فرقی در نتیجه کار نخواهد داشت. به تصریح مؤلف هدف از نگارش این رساله گردآوری و ثبت معماهایش بوده است: «و چون مراد از این مختصر ضبط معمیات بود، در اختصار بیان قواعد کوشیده، شرح آن مناسب ندید».

### ۲.۳. معرفی نسخه اساس و نسخه بدل‌ها

بیش از صد نسخه خطی از این رساله در کتابخانه‌های ایران (درایتی، ۱۳۹۱: ۳۰/۵۰۱-۵۰۷) و تعداد زیادی هم در کتابخانه‌های خارج از ایران نگهداری می‌شود که حکایت از علاقه مردم به مطالعه این رساله دارد. با توجه به اینکه تدوین این رساله در ۹۰۴ ق به پایان رسیده است، با مراجعه به منابع رقومی (فهرستگان نسخ خطی) و چاپی سعی شد نسخی که تا قبل از ۱۰۰۰ ق کتابت شده بودند، شناسایی شوند و تصویر آن‌ها به دست آید، همچنین نسخه‌هایی که فهرست‌نگاران به هر دلیل مهم تشخیص داده بودند. نسخه‌ای که به یقین به خط مؤلف باشد، شناسایی نشد. تصویر چند نسخه به دلیل محدودیت‌های تحریم بانکی (بابت واریز وجه) و پاسخگونی محمل نگهداری آن‌ها به دست نیامد. این نسخه‌ها از این قرارند:



۱. نسخه کتابخانه سید محمد علی روضاتی اصفهان، به شماره ۲/۸، مورخ ۹۳۲ق؛
۲. نسخه کتابخانه دانشگاه استانبول، به شماره ۹۷، مورخ ۹۳۳ق؛
۳. نسخه کتابخانه خراجچی اوغلو، به شماره ۹۵۵، مورخ ۹۳۶ق؛
۴. نسخه کتابخانه دانشگاه استانبول، به شماره ۱۱۰۱، مورخ ۹۳۸ق؛
۵. نسخه کتابخانه دانشگاه کالیفرنیا، به شماره c105/2، مورخ ۹۳۹ق؛
۶. نسخه کتابخانه ملی از میر، به شماره ۱۴۱۲/۲، مورخ ۹۳۹ق؛
۷. نسخه کتابخانه حسین چلبی، به شماره ۸۹۴، مورخ ۹۴۱ق؛
۸. نسخه کتابخانه آکادمی علوم جمهوری تاجیکستان، به شماره ۳۴۳، مورخ ۹۴۲ق.

اطلاعات این نسخ در [فهرستگان نسخ خطی](#) در سامانه کتابخانه ملی ایران آمده است.

تصویر ۲۰ نسخه به دست آمد و تک تک آن‌ها رؤیت و بررسی گردید. برای سنجش اعتبار نسخ از معیارهایی نظیر: (۱) زمان کتابت، (۲) چگونگی ضبط کلمات و عبارات؛ (۳) کتابت توسط مؤلف یا شاگردانش؛ (۴) کتابت توسط کاتب آگاه به اصول و موازین کتابت؛ (۵) مقابله و عرض دادگی؛ (۶) سماع بر مؤلف یا دانشمندی؛ (۷) حواشی، تعلیقات، امضاها، مهرها، ظهرنویسی‌ها، و مواردی از این قبیل (مایل هروی، ۱۳۶۹: ۴۶-۴۷). بهره برده شد.

مشخص شد که برخی تاریخ‌های فهرس دقیق یا صحیح نیستند، یا فهرست‌نگار در تشخیص اصالت نسخه دچار اشتباه شده است. برای مثال اولین نسخه معرفی شده در فنخا یعنی نسخه شماره ۱۹۵۹ کتابخانه ملی، به مؤلف نسبت داده شده بود (درایتی، ۱۳۹۱: ۵۰۲/۳۰). با مراجعه به فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی معلوم شد که فهرست‌نگار احتمال داده که کاتب نسخه مؤلف باشد (انوار، ۱۳۵۳: ۴۳۵/۴). تصویری از نسخه تهیه نشده بود، در نتیجه اصل نسخه بازدید و بررسی شد. چندین برگ از پایان نسخه افتاده بود. آشکار شد نسخه اصیل نیست، علامت «صح» در کنار متن، همچنین نظم و تمیزی کتابت نشان می‌داد که کار کاتب است نه مؤلف؛ متن مقابله شده بود.



نسخه شماره ۱۴۷۱۸ کتابخانه ملی که مورخ ۹۱۰ ق معرفی شده بود و به نظر اقدم نسخ می‌آمد، هنگام بررسی چندان روسفید از آب در نیامد. تاریخ ۹۱۰ با مرکبی دیگر و به خطی غیر از کاتب در حاشیه صفحه آخر نوشته شده که مشخص نیست تاریخ چیست. نسخه ترقیمه و ظهیره نداشت و نام کاتب در هیچ جای نسخه ذکر نشده بود تا با استناد به آن‌ها بتوان اصالت نسخه را تشخیص داد (تصویر ۷). متن نسخه با چند نسخه دیگر به خصوص نسخه ۴۴۹۵/۱ دانشگاه تهران مقایسه شد. مشخص شد نسخه ۱۴۷۱۸ کتابخانه ملی مغلوط است. در همان صفحه اول سه غلط وجود داشت. در خط ۵ به جای «او» «و» نوشته شده؛ در خط ۱۳ به جای «خاک» «خال» نوشته شده؛ و در خط ۱۴ به جای «واجب» «وجب» کتابت شده است (تصویر ۷). به این ترتیب صلاحیت این نسخه برای اساس بودن احراز نشد، ولی در زمره نسخه‌بدل‌ها قرار گرفت.

فهرست‌نگاران نسخه شماره ۱۵۹۵۷/۲ کتابخانه مجلس را مورخ ۹۴۷ ق معرفی کرده‌اند، اما بعد از بررسی مشخص شد که لغزشی روی داده است. این نسخه از روی نسخه جمشید معمائی کتابت، و ترقیمه آن عیناً نقل شده است. کاتب خود به این نکته اذعان می‌کند (تصویر ۱). در انتهای رساله اول این مجموعه که همگی به خط یک کاتب است تاریخ کتابت چنین درج شده است: «تمت نود و نه نام به تاریخ ۴ شهر ربیع‌الاول سنه ۱۰۳۲».

### ۱.۲.۳. نسخه اساس

پس از بررسی بسیار و مشورت با صاحب‌نظران نسخه ۴۴۹۵/۱ دانشگاه تهران به کتابت جمشید معمائی نسخه اساس قرار گرفت. اگرچه قدیم‌ترین نسخه نبود ولی اعتبار کاتب آن قابل توجه بود. غیاث‌الدین جمشید کاتب رومی معمائی متولد ۸۷۶ ق، خود شاعر و معماپرداز بود. در لطایف‌نامه در شرح حال وی آمده: «از جمله جوانان خوش طبع است که حالا درر سیده‌اند، و کاتب نیک است، و از سایر اصناف شعر طبعش به معما مایل‌تر است» (فخری هروی، ۱۳۹۸: ۲۰۰). در هرات و مجلس امیرعلی شیر حضور داشته و گویا محضر میرحسین معمائی را نیز درک کرده است. خود رساله‌ای در معما به نظم دارد به نام مخزن الجواهر که در ۹۴۴ ق تألیف و به شاه طهماسب تقدیم شده است. وی ماده تاریخی در کتابت نسخه سروده، سن خود را ضمن آن بیان داشته و در ترقیمه دستور معما آورده است:

کردش رقم و ماند بر اوراق زَمَن

این دُرَج خفا که راقم نادره‌فن



چون درج در او جواهر مخفی بود شد تاریخش «جواهراً مخفياً» ۹۴۷

\*\*\*

کاتب سنه سنین خود شصت و دو چار چون کرد شمار شد بدین نسخه دوچار  
کردش چو سواد نام و تاریخ نوشت «جمشید معمائی کاتب» ناچار ۴ - ۹۵۱

**ویژگی‌های ظاهری:** مجموعه ۴۴۹۵ دانشگاه تهران شامل: ۱. دستور معما؛ ۲. سرغزل (تغزل) قصیده تاریخ معما از جمشید معمائی (کاتب)؛ ۳. مخازن الجواهر می شود. در برگ دوم پس از جلد نام رساله آمده است: «معما ملا میر حسین». کل مجموعه به خط نستعلیق عالی غیاث‌الدین جمشید معمائی رومی است. شامل ۹۸ برگ می شود که ۶۰ برگ (۱۱۸ صفحه) از آن رساله دستور معماست. بین صفحه ۳ و ۴، دو برگ افتاده که در صفحه شمار دستی این افتادگی مشخص نشده است. حاشیه صفحات زیادی از این مجموعه بر اثر ساییدگی از بین رفته، همچنین موربانه به برخی صفحات آسیب زده که مرمت شده است. ساییدگی به اصل متن آسیب زده ولی برخی کلمات بر اثر مرمت قابل خواندن نبودند. فقط دو صفحه اول جدول با شنگرف دارد. نسخه ساده و بی آرایه است و توضیح یا شرحی در حاشیه صفحات دیده نمی شود اما رکابه دارد. هیچ گونه مهر یا نوشته‌ای که دلالت بر تعلق نسخه به شخصی باشد در کتاب دیده نمی شود. نسخه تصحیح و مقابله شده و در موارد معدودی اشتباه یا افتادگی در حاشیه اصلاح شده است. برای این کار علامتی شبیه به ۷ کوچک بالای متن گذاشته شده و صحیح آن در حاشیه نوشته شده است (تصویر ۲). تصویر صفحات اول و آخر نسخه در ادامه (تصویر ۹) آمده اند.

**ویژگی‌های رسم الخطی:** خط نسخه نستعلیق زیباست. سطر اول و عنوان‌ها با طلایی نوشته شده اند و مقصودهای معما با شنگرف. در برخی صفحات متن (نثر) دوستونی نوشته شده که در نگاه اول شعر به نظر می رسد. در کتابت بنا بیشتر بر سرهم نویسی کلمات بوده است. برای مثال:

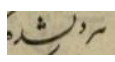
- «به» حرف اضافه مانند ب حرف جرّ به کلمات چسبیده مانند: باو (به او)، بنام، بوجه، بطریق، بخاک.
- «را» اغلب به کلمه قبلش چسبیده مانند: جهانرا، انرا.
- اگر کلمه قبل از «است» به مصوّت ختم شود چسبیده به آن کتابت شده مانند: نامیست، نماست، پیداست، در غیر این صورت جدا نوشته شده مانند: ابیات است، طریق است.





- گاه «می» قبل از فعل به آن چسبیده، مانند: می‌گردد (می‌گردد)، و گاه جدا مانند: می‌یابد.
- گاه «آن» چسبیده به کلمه بعد از خود نوشته شده است، مانند: آنحضرت، آندم (آن دم).
- «بی» حرف اضافه چسبیده به کلمه بعد کتابت شده است، مانند: بیدل، بیخور و بیخواب.
- «ها» علامت جمع چسبیده کتابت شده است مانند: لبها، کوشها؛ حتی در مواردی که کلمه به «ه» ختم می‌شود مانند: نقطهها (نقطه‌ها)، جامها (جامه‌ها)، چها (چه‌ها).
- گاه «یک» نکره یا وحدت چسبیده به کلمه نوشته شده، مانند: یکذره، یکبار.
- «که» در حروف ربط مرکب چسبیده کتابت شده، مانند: چنانکه.
- گاه صفت مبهم به موصوف خود چسبیده، مانند: هیچکس.
- گاه کلمات مرکب چسبیده‌اند، مانند: تنگدستی (تنگ‌دستی)، همزده، دلشده، دلاویز.
- در نقطه‌گذاری حروف نیز ویژگی‌هایی دیده می‌شود که برخی از آن‌ها از این قرارند:
- «گ» بدون یک سرکاف به شکل «ک» نوشته شده است، مانند: کشایند، رهگذار، کشایش، یکدیگر.
- «چ» اغلب با یک نقطه نوشته شده مثل «ج»، مانند: جند، جناجه، جیست، هیچ؛ اما در اسامی خاص مانند منوچهر با سه نقطه کتابت شده است.
- «پ» گاه با یک نقطه کتابت شده مانند: بیش (پیش)، بیشانی؛ و گاه با سه نقطه مانند: پرتو، سپهر، پوشیده.
- «ژ» گاه با یک نقطه کتابت شده مانند: مزه (مژه) و گاه با سه نقطه مانند: مژه.
- گاه زیر حرف «س» کشیده (بدون دندانه) سه نقطه قرار گرفته است و گاه نه مانند:  
- گاه که جمع نقطه‌های دو حرف کنار هم سه نقطه می‌شدند، با هم کتابت شده‌اند مانند: «بیدل» 
- علامت مدّ گاه بالای الف نوشته نشده مثلاً یک جا آتش را «اتش» کتابت کرده ولی در سطر پایین «آخر» را به همین شکل همراه با علامت مدّ ثبت نموده است.
- در اغلب موارد تشدید حذف شده است.





– در موارد متعددی برخی نقطه‌های حروف کتابت نشده مانند: کسته (گشته)؛ و در مواردی محدود کلمه کاملاً بدون نقطه کتابت شده.

– گاه علامت کاماشکل زیر «ه» کتابت نشده است مانند «هر» به این شکل: : شکل:

### علائم سجاوندی

– آغاز بیت:  یا ، کاتب با این علامت مشخص می‌کند که در کجا نثر تمام می‌شود و نظم شروع می‌گردد.

– گاه در آغاز مطلب مانند ابتدای پاراگراف یا بند امروزه، چنین علامتی در متن درج شده:  یا .


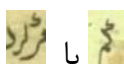




– علائمی شبیه به ویرگول و نقطه نیز در مواردی دیده می‌شود که کاربردشان شبیه ویرگول یا نقطه ویرگول امروز است (تصویر ۳).

### ۲.۲.۳. نسخه‌بدل‌ها

۱. نسخه شماره ۱۴۷۱۸ کتابخانه ملی با علامت اختصاری «مل». برگ آغازین نسخه از وسط پاره شده که مرمت گردیده، در حاشیه چپ بالای آن عنوان رساله آمده است: معماء میرحسین. مهرگردی هم در این صفحه دیده می‌شود که چندان خوانا نیست ولی این عبارت دیده می‌شود: «بنده شاه ولایت سلطان...» در پایین همین صفحه با خط و مرکبی دیگر «دکتر حسین مفتاح» نوشته شده است. متن رساله از پشت همین برگ آغاز می‌شود، بسیار ساده است و هیچ گونه تزئینی ندارد. با خط نسخ فشرده ولی خوانا کتابت شده و هر صفحه ۲۱ سطر دارد. اسامی و پاسخ معماها با شنگرف کتابت شده، در حاشیه برخی صفحات حل برخی معماها به اختصار آمده که خطش با خط رساله یکی است، گویا کاتب تلاش کرده برخی معماها را حل کند. رکابه دارد. گاه که چند سطر یا معمایی از متن افتاده، در حاشیه کتابت شده است. در آخرین برگ هم مهر چهارگوشی درج شده که به نظر می‌رسد این عبارت بر آن حک شده باشد: «لا اله الا الله الملك الحق المبين عبده على محمد». صفحات اول و آخر این نسخه در ادامه (تصویر ۷) آمده است.

از ویژگی‌های رسم الخطی و سجاوندی می‌توان به این موارد اشاره کرد:



- هرگاه دو تا «ی» پشت هم قرار گیرد که یکی از آن‌ها «ی» میانجی باشد، یک دندان به آن‌ها قرار دارد یا همزه روی دندان به این شکل:  **رناجب**
- گاه علامت سرکاف چنین کتابت شده:  یا 
- گاه کلمات خلاصه کتابت شده مانند «چنانچه» به این شکل: 
- در کتابت نقطه‌ها کاملاً آزادانه رفتار شده است.
- را، به، که، است، می و مانند این‌ها چسبیده به کلمات قبل و بعد خود کتابت شده‌اند.
- گاه دو کلمه مجزا سر هم نوشته شده‌اند مانند: ابروی تو، مشکناپ (مشک ناب).
- گاه «ه» آخر کتابت نشده است مانند: چنانک، آنج.
- بین مصراع‌ها چنین علامتی با شنگرف درج شده:  یا علامت سه نقطه: .
- خط ترقین بر کلماتی که اشتباه کتابت شده، کشیده شده است.




۲. نسخه شماره ۱/۱۴۸۰۵ کتابخانه ملی با علامت اختصاری «ملی». با یکی از رسائل معمائی جامی در یک مجموعه قرار دارند و ۸۰ برگ نخست مجموعه را تشکیل می‌دهد. هر صفحه ۱۲ سطر دارد. دو نکته درباره فهرست‌نگاری این نسخه قابل توجه است: ۱. تاریخ کتابت در ترقیمه انتهای رساله دستور معما نیامده بلکه در انتهای مجموعه آمده و چون خط مجموعه یک دست نیست، مشخص نیست این تاریخ کتابت به رساله دستور معما هم تعلق داشته باشد. فهرست‌نگار این تاریخ را به کتابت دستور معما نسبت داده است ۲. رقم تاریخ ثبت شده بیشتر به ۹۳۱ نزدیک است، در حالی که فهرست‌نگار ۹۲۱ ق ثبت کرده است. به یقین نمی‌توان این تاریخ را به کتابت دستور معما انتساب داد.

در پشت برگ اول کتاب مَهر بیضی شکلی درج شده و کنار آن نوشته شده: «این کتاب ملک میرمحمدطاهر الحسینی السمنانی است و به ودیعه پیش فقیر است. محمدباقر الهادی الحسینی». مَهر خیلی خوانا نیست ولی این عبارت از آن برداشت می‌شود: لا اله الا الله الملك الحق المبين عبده علی محمد (تصویر ۴). بسیار شبیه به مَهر نسخه «مل» است. نسخه تصحیح شده است. بنا به عرف کاتبان، افتادگی‌ها و اشتباهات با علامتی شبیه به ۷ کوچک (خط نیم‌دانگ) در متن مشخص، و صحیح آن در حاشیه نوشته شده و علامت «ص» زیر آن آمده است. کلمات اضافه با علامت «م» کوچک مشخص شده‌اند هم‌چنین کلماتی که جابه‌جا کتابت شده‌اند با «م» و «خ»



کوچکی بالای آن‌ها مشخص شده‌اند (تصویر ۵). این علائم اختصاری میان کاتبان رواج داشته: م / خ به معنای مقدم و مؤخر است (جهانبخش، ۱۳۷۸: ۳۸). خط مصحح با خط متن تفاوت دارد ولی گاه خود کاتب متن را تصحیح کرده است. اشعار میان نثر نوشته شده، علامتی مانند «ع» یا «بیت» هم برای تشخیص اشعار نیامده است. کتابت اسم مقصود با شنگرف، راهنمایی برای تشخیص شعر از نثر است. در حاشیه چند صفحه ابتدایی به خطوط گوناگون حل برخی معماها آمده است. تصویر صفحات ابتدایی و انتهای نسخه در ادامه (تصویر ۸) می‌آید.

به نظر می‌رسد یا کاتب متوجه کلمات و معنای آن‌ها نبوده یا در کتابت مفهوم معمائی را مد نظر قرار داده، برای مثال در کتابت «ز رندان» «زر» را در خط بالا و «ندان» را در خط پایین نوشته است. گاه دو کلمه جداگانه را به هم چسبیده کتابت کرده مانند: یکلحظه، الواحدا (الواح دعا). از ویژگی‌های رسم الخطی و سجاوندی این موارد نیز قابل توجه هستند:

- اغلب «است» و «را» به کلمه قبل چسبیده مانند: آنست، چهارست، عبارتست، شیدایانرا (شیدایان را).
- اغلب حروف اضافه و صفات اشاره به کلمات بعدی چسبیده‌اند مانند: آنحضرت، بخاک، بهمین (به همین).
- کسره اضافه روی «ه» اغلب به شکل «ه» نوشته شده است مانند: ماده، کلمه؛ و گاه به شکل «ی» کتابت شده مانند «حروفی» به جای «حروف» و «لفظی» به جای «لفظ».
- بین مصراع‌ها علامتی با شنگرف ترسیم شده است: 
- دو طرف ابیات علامتی مانند گیومه («») با شنگرف درج شده است.
- در آغاز مطلب جدید (مانند ابتدای پاراگراف یا بند امروزی)، همچنین اسامی و عناوین، علامتی با شنگرف بالای کلمه آمده است:  یا .




۳. نسخه شماره ۱۴۸۰۴/۱ کتابخانه مرعشی با علامت اختصاری «مر». مورخ ۹۴۰ ق و شامل ۵۶ برگ ۱۵ سطری است. نسخه آسیب‌دیده و آب‌خورده است. گوشه صفحه اول پاره شده که مرمت گردیده است. به خط نستعلیق فشرده کتابت شده، اشعار در میان نثر نوشته شده و علامتی هم برای تشخیص آن‌ها درج نشده است




فقط رنگ شنگرف مقصود معماها مشخص می‌کنند که عبارت بعدی نظم است. گاه عناوین با شنگرف کتابت شده و گاه بالای آن‌ها خط سیاهی کشیده شده است. نسخه تصحیح شده: موارد اشتباه یا افتاده در حاشیه نوشته و با علامت «ص» مشخص شده‌اند؛ روی کلمات اضافه یا اشتباه خط ترقین کشیده شده؛ گاه اختلاف نسخه با نسخه‌بدل ذکر شده برای مثال در صفحه ۲ نسخه بالای «بقین» علامت «۷» کوچک گذاشته شده و در حاشیه صفحه نوشته شده «ازل بدل» که نشان از مقابله با نسخه‌ای دیگر دارد (تصویر ۶)، «م» و «خ» کوچک با خط نیم‌دانگ بالای کلماتی که جابه‌جا کتابت شده‌اند نوشته شده است. تصویر صفحات ابتدایی و انتهایی در ادامه (تصویر ۱۱) آمده است. از ویژگی‌های رسم‌الخطی و سجاوندی به این موارد می‌توان اشاره نمود:

- گاه «و» کتابت نشده است مانند: خرشید به جای خورشید.
  - جدانویسی در مقایسه با دیگر نسخ بیشتر است، اغلب «می» (قبل فعل) و «را» جدا کتابت شده‌اند.
  - «به» حرف اضافه چسبیده به کلمات بعد از خود نگارش یافته است، مانند: بارقام، بجهت.
  - در صفحات ابتدایی بین مصراع‌ها علامتی شبیه ویرگول یا نقطه ویرگول با شنگرف دیده می‌شود.
  - گاه نیمی از کلمه در پایان یک سطر و نیم دیگر در آغاز سطر بعد نوشته شده مثلاً: «متا» در پایان سطر و «بعث» در آغاز سطر بعد؛ یا «ز» در پایان سطر و «مان» در آغاز سطر بعد.
۴. نسخه شماره ۹۸۰۲ کتابخانه مجلس به علامت اختصاری «مج». هیچ‌گونه صفحه‌شماری ندارد و ۵۸ برگ است. هیچ حاشیه و آرایه‌ای بر متن افزوده نشده است. به نستعلیق پخته کتابت شده و ترقیمه آن در حاشیه صفحه پایانی چنین است: «تمت الرسالة المعما علی يد العبد الضعیف الاقل من القلیل، اختیار بن حسن بن اسمعیل، غفرالله تعالی ذنوبهم؛ فی تاسع شهر محرم الحرام سنه ۹۴۶» (تصویر ۱۰). اولین صفحه رساله نونویس است. عناوین و پاسخ معماها با شنگرف نوشته شده‌اند. نسخه تصحیح شده، بالای کلماتی که جابه‌جا کتابت شده‌اند حروف «م» و «خ» با خط نیم‌دانگ نوشته شده که ترتیب آن‌ها را مشخص می‌کند. در حاشیه برگ‌های ۲۲ - ۲۶ بخش‌هایی از رساله مفتاح‌الاسامی کتابت شده که به خط کاتب نیست. در رسم‌الخط اغلب ویژگی‌های نسخه اساس را از نظر سرهم یا جدانویسی و نقطه‌گذاری دارد. اغلب زیر «س» سه نقطه گذاشته شده، خیلی جاها نقطه‌های کلمات کتابت نشده، «چ» با یک نقطه نوشته شده، علامت مدّ گاه افتاده و گاه کتابت شده، و گاه دو کلمه به هم چسبیده کتابت شده‌اند مانند: آنشوخ یا انشوخ. از تفاوت‌های رسم‌الخطی و سجاوندی با نسخه اساس این موارد را می‌توان ذکر کرد: کسره اضافه بعد از حروف ه و ی با «ی» کوچکی بالای آن نشان داده می‌شود



مانند:  و . گاه بین دو مصراع یا پایان بیت علامتی به این شکل با شنگرف ترسیم شده است: . اگر عناوین با شنگرف تحریر نشده با شند بالای عنوان خطی با شنگرف ترسیم شده است هم‌چنین ابتدای مطلب جدید مانند ابتدای پاراگراف.

۵. نسخه شماره ۴۸۳/۱ کتابخانه ملی ملک با علامت اختصاری «ملک». مورخ ۹۵۰ ق. در این نسخه برخی معماها جابه‌جا کتابت شده‌اند، گاه چند صفحه قبل‌تر یا بعدتر آمده‌اند و برخی معماها اصلاً نیامده‌اند، و گاه کاتب عبارات را خلاصه کرده است. نسخه شامل ۴۵ برگ ۲۰ سطری می‌شود. به خط نستعلیق فشرده و خوانا کتابت شده و کاتب آن خضرشاه بن شیخ یوسف شاه نیمردانی (؟) است. اسامی و گاه عناوین با شنگرف نوشته شده‌اند. دو برگ نخست در جدول شنگرف قرار دارد. نسخه تصحیح شده و اصلاحات با علامت «ص» با خطی غیر از خط کاتب در حاشیه آمده است. گاه برای تصحیح متن را حک و پاک کرده‌اند که اغلب اواخر نسخه است. انجامه آن چنین است: «تمام شد تحریر این رساله و تسطیر این مقاله به عون الله و حسن توفیق در بخارا شهر رجب من شهر سنه خمسین و تسعمایه هجریه. والسلام» و در حاشیه آن این متن آمده است: «قَدْ تَمَّ كِتَابَتِي بِعَوْنِ الْوَهَّابِ / أَمِيدٍ كَمَا بَشَدَ هَمَّيْ خَيْرٍ وَ صَوَابٍ // گر سهو و خطایی شده باشد واقع / رَبِّ اغْفِرْ لِي أَنْتَ كَرِيمُ التَّوَّابِ // محرر این رساله خضرشاه بن شیخ یوسفشاه نیمردانی (؟)» (تصویر ۱۲). اغلب ویژگی‌های رسم الخطی آن مانند نسخه اساس است. در سجاوندی هم از علائمی مانند ویرگول و دونقطه‌ویرگول قرمز برای مشخص کردن بیت و مصراع استفاده شده است مانند: .

۶. نسخه شماره ۱۸۰۴/۵ کتابخانه ملی ملک با علامت اختصاری «ملکی». صفحات ۲۷۰ تا ۳۴۳ مجموعه را شامل می‌شود. هر صفحه ۱۸ سطر دارد. به خط نستعلیق ریز و فشرده کتابت شده، اما خواناست. رکابه دارد. اسامی و عناوین با شنگرف کتابت شده‌اند. توضیحاتی درباره حل معماها در حاشیه صفحات آمده که با خطی غیر از خط کاتب است. در ترقیمه نسخه آمده است: «و الحمد لله علی الاتمام و الصلوة علی محمد و آله اجمعین والسلام تَمَّتِ الرِّسَالَةُ الشَّرِيفَةُ فِي شَهْرِ رَجَبِ الْمَرْجَبِ سَنَةِ ۹۸۵ تَمَّ» (تصویر ۱۳). در صفحه اول و آخر این رساله مهری دیده می‌شود با حروف انگلیسی MH که متعلق به حسین ملک واقف کتابخانه و موزه ملک است. روی برگ اول رساله دو مهر دیگر است. سجع یکی از آن‌ها چنین است: «دست شفیع و دامن اولاد مصطفی» و دیگری چندان خوانا نیست. هم‌چنین به خط تعلیق نوشته شده است: «فی ید التصرف الفقیر الحقیق الضعیف المحتاج



بلطفه الملك الغنى جناب نادعلى سم سار ابن محمد الحسينى ابن ابيطالب لتخلفنى عفى عنها، محمد شفيح» که نشان می‌دهد این نسخه متعلق به محمد شفيح بن ابى طالب غياث الدين شمس از کاتبان مشهور بوده است. بالای آن نوشته شده: «رسالة معميات از سيدحسين هروى معروف». از ديگر ويژگى‌هاى نسخه به اين موارد مى‌توان اشاره کرد: بر کلماتى که اشتباه کتابت شده، خط ترقين کشيده و بالای آن «ز» نوشته شده به معنای زائد؛ کلماتى که جابه‌جا کتابت شده‌اند با علائم اختصارى «م» و «خ» کوچک مشخص شده‌اند؛ نسخه بازبینى و در مواردى مطابق با نسخه بدل اصلاح شده که در حاشيه یا متن با نوشتن «بدل» مشخص گردیده است. بسيارى از ويژگى‌هاى رسم الخطى و سجاوندى نسخه اساس در اين نسخه نيز ديده مى‌شود. از تفاوت‌هاى ميان آن‌ها به موارد زير اشاره مى‌گردد:

- گاه علامت مدّ بالای برخی کلمات قرار می‌گیرد که مرسوم نیست مثل: روان؛
- از علامت دایره و سه نقطه شنگرف ميان مصراع‌ها و برای تمایز شعر از نثر استفاده می‌شود.

### ۳.۳.۳. نسخه منتسب به مؤلف

اخيراً خبرى مبتنى بر وجود نسخه‌اى به خط مؤلف<sup>۷</sup> به اطلاع نگارنده رسيد. تصوير ۲۰ صفحه نخست و صفحه انتهايى آن دريافت شد. از آنجا که اين رساله در مجموعه‌اى قرار دارد و اصل رساله یا مجموعه رؤيت نشد، نمى‌توان به يقين درباره آن اظهار نظر کرد، اما بررسى تصاویر چند صفحه نخست و صفحه پایانی رساله چند نکته را آشکار کرد:

۱. در تصوير نسخه هيچ ويژگى‌اى که آن را از ديگر نسخه‌هاى بدون نام کاتب و تاريخ کتابت متمایز کند، ديده نشد.
۲. عبارتى که در اغلب نسخه‌ها در ابتدای رساله آمده در اين نسخه ديده نمى‌شود. همان‌طور که قبلاً گفته شد رساله با مثنوى شش بيتى (تحميديه) با صنعت براعتا ستهلال آغاز شده و عبارت آغازين آن هم از اين صنعت بهره‌مند است: «بسمک الابتداء يا فتاح». کلمات اسم، ابتداء و فتاح کارکرد معمائی دارند و

۷. اين نسخه در اختيار دکتر زهير طيب است که با بزرگواری تصوير صفحاتى از آن را در اختيار نگارنده قرار دادند.



متناسب با بقیه متن؛ اما در نسخه ذکر شده عبارت: «بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين» دیده می‌شود (تصویر ۱۴).

۳. در صفحه ۱۴ رساله (روی برگ ۸) متن تصحیح و مقابله شده و علامت «ص» دیده می‌شود، این عبارت به متن افزوده شده است: «و چنانکه در این دو اسم که معاً استخراج می‌یابد ص» (تصویر ۱۵). اصولاً در نسخه‌های خط مؤلف علائم تصحیح و مقابله دیده نمی‌شود. هیچ نشانه‌ای هم از اینکه نسخه مذکور مسوده مؤلف باشد، دیده نشد.

۴. هیچ ترقیمه‌ای در انتهای رساله دیده نمی‌شود فقط عبارت: «تمت بید المغفر (معفو؟) محمدعلی الحسینی». تصور شده که این اسم نام شارحی باشد که در حاشیه نسخه شرحی بر آن نوشته است، اما ممکن است نام کاتب باشد، به یقین نمی‌توان نظر داد. از میان شارحان شناخته شده فقط نونداکی اسم محمدعلی دارد که این شرح مطابق با آن نیست. البته شارحان گمنام بسیاری معماهای این رساله را شرح کرده‌اند.

#### ۴. شرح و گشایش معماها

شارحان متعددی اقدام به شرح معماهای این رساله کرده‌اند که نُسَخی از آن در دست است: صادق رکنی، حسن بن عبدالشکور رومی، محمدبن علی نونداکی، فکری، خواجگی بلخی متخلص به نامی، نظام استرآبادی، نعیمی، ضیاءالدین اردوبادی، مجنون رفیقی، ثانی بن پیرمحمد تاشکندی؛ هم‌چنین از شارحانی مانند بخاری و کولابی در منابع نام برده شده که نگارنده نسخه‌ای از آن شرح‌ها را نیافت. قابل ذکر است که این شروح برای مخاطب امروزی کافی نیست. قواعد معمائی مندرج در دستور معما به اختصار در جدول ۲ آمده است. از آنجاکه معما و روش حل آن خود مبحث مبسوطی است در اینجا صرفاً چهار نمونه به منظور آشنایی ذکر می‌گردد.<sup>۸</sup>

ز خود وارسته و بگسسته از غیر      به شهر لامکان دل بسته از سیر

مصراع اول از لواحق سالمه. شهر: طبق قاعده ترادف «ماه». بنا به قاعده انحصاری عدد ۳۰، و طبق قاعده

۸. مقاله دیگری درباره معمای ادبی، کارکردها و کاربردهای آن در دست بررسی است که جبران نقیصه این جستار را خواهد کرد.



حرفی حرف «ل» به دست می‌آید. بنا به قاعده تسمیه از «ل» «لام» استنباط می‌شود. لامکان: به دو جزء «لا» و «مکان» تحلیل یافته است. طبق قاعده ترادف منظور از مکان «جا» است. بنا به قاعده تبدیل «لا» به «جا» بدل می‌شود. پس «لام» می‌شود «جام». دل: طبق قاعده انتقاد منظور حرف وسط کلمه است. سیر: مذکور به تنصیص. دل سیر: حرف «ی». بسته: اشاره به تألیف اتصالی دارد. «جام» که به «ی» اتصال یابد می‌شود «جامی».

آخر از بام خود آن چهره زیبا بنما

غایت اوج نباشد حدّ خورشید بیا

غایت: بنا به قاعده انتقاد به حرف آخر کلمه اشاره دارد. اوج: مذکور به تنصیص. نبا شد: اشاره به قاعده اسقاط دارد. از «اوج» حرف آخرش اسقاط شود «او» می‌ماند. حد: طبق قاعده انتقاد اشاره به حرف آخر کلمه دارد. خورشید: طبق قاعده ترادف «شمس» منظور است. حدّ شمس: «س» اراده شده است. بیا: طبق قاعده تحلیل به دو جزء «ب» و «یا» تفکیک می‌شود. ب: طبق رسم الخط قدیم «به» را بدون «ه» هم می‌نوشته‌اند و به کلمه بعد می‌چسبانده‌اند؛ بنا به قاعده اشتراک «به» حرف اضافه مراد است که اشاره به ترکیب اتصالی دارد. یا: طبق قاعده تسمیه «ی» مراد است. با افزودن «ی» به «س» «یس» به دست می‌آید که به «او» اضافه گردد، اسم «اویس» حاصل شود.

رُخ ز می داری به رنگی هر زمان

وقت مستی گه گلی گه ارغوان

روش اول: مصراع اول از لواحق محسنه است. رخ: به معنی صورت که طبق قاعده قلب اشاره به قلب بعض دارد. ز می: طبق قاعده تنصیص از مواد اسم. می داری: طبق قواعد ترکیب و تحلیل به دو جزء «مید» و «اری» تقسیم می‌شود. اگر «زمید» دچار قلب بعض شود «مزید» به دست می‌آید. روش دوم: رخ: طبق قاعده انتقاد حرف اول لفظ. هر زمان: اشاره به قاعده تکرار، یعنی عبارت «رخ ز می داری» تکرار شود. رنگی: از کلماتی که به مفهوم تفاوت اشاره دارند. یعنی این تکرار عین هم نیست و تفاوت دارد. بار اول منظور تحصیل حرف «م» است. بار دوم اشاره به تبدیل «م» «مید» به «ز» به این صورت که «می داری» با اعمال ترکیب و تحلیل به «مید آری» تغییر می‌کند (آری: بیاری). طبق قاعده تبدیل حرف اول «مید» یعنی «م» به «ز» تبدیل می‌شود و «زید» به دست می‌آید و از جمع این دو اسم «مزید» حاصل می‌شود.



پنهان به دو ابرو و مژه کشته بسی  
از موی ندیدیم و ندیده است کسی

آن شوخ به فن ساحری هر نفسی  
ساحر که کمان و تیر فرماید کار

پوشیده نماند که از کلمه «ساحر» چون کمان کشیده و تیر انداخته شود، «سر» ماند که وسیله انتقاد شده.

بیت اول از لواحق. ساحر: از اصول. کمان: طبق قاعده تشبیه حرف «ح» مراد است. تیر: طبق قاعده تشبیه

«ا» مراد است. همان‌طور که مؤلف اشاره کرده «به کار انداختن» به کنایه معنای اسقاط را می‌دهد. پس، «ح» و «ا»

که از ساحر بیفتند «سر» باقی می‌ماند که طبق قاعده انتقاد اشاره به حرف اول کلمه دارد. این شاهدهی است بر

اینکه ادوات انتقاد را می‌توان با اعمال معمائی به دست آورد بدون اینکه به صراحت ذکر شده باشند. «موی» و

«کسی»: مذکور به تنصیص. ندیدیم و ندیده‌اند: اشاره به قاعده اسقاط. و: از ادوات ترکیب اتصالی. حرف اول

«موی» و «کسی» که بیفتند «وی» و «سی» می‌ماند و از تألیف آن‌ها «ویسی» به دست می‌آید.



## ۵. نتیجه‌گیری

۱. تعریف جامع و دقیقی از معمای ادبی در منابع چاپی نیامده و گاه با لغز و چپستان یکی دانسته شده است. در منابع خطی هم تعریف یکسانی ارائه نشده است. با جمع‌بندی عناصر ذکر شده در منابع خطی، تعریفی که مناسب معمای ادبی باشد ارائه گردید.
۲. از مشهورترین معماسرایان میرحسین بن محمد حسینی معمائی نیشابوری متخلص به شفیعی (۹۰۴ق) است. او که از ندیمان و همنشینان امیر علی شیر نوایی و شاگرد عبدالرحمان جامی در معماسرایی بود، خود معماسرایان بسیاری تربیت نمود. از وی سه اثر در معما باقی مانده است: (۱) رساله‌ای حاوی معماهایش به نام دستور معما که به اشاره امیر علی شیر نوایی تدوین شد؛ (۲) غزلی در مدح سلطان حسین بایقرا در ۹ بیت؛ (۳) مثنوی «نود و نه نام» در ۱۰۰ بیت که در اسما الحسنى سروده شده است.
۳. دستور معمای میرحسین از مشهورترین رسالات معمائی است که شرح‌های متعددی بر آن نوشته شده. تعداد نسخه‌های خطی آن و شرح‌هایش از هر رساله دیگر بیشتر است. بیش از ۱۰۰ نسخه خطی از این رساله در کتابخانه‌های ایران نگهداری می‌شود. نسخه‌های متعدد دیگری از این اثر و شرح‌های آن در دیگر کتابخانه‌های جهان وجود دارد. از دلایل شهرت و کثرت نسخ آن، پیچیدگی معماها و نبود توضیح یا توضیح اندک مؤلف است. علاقه مردم به معما سرایی و معماگشایی را می‌توان از دیگر دلایل کثرت نسخ خطی این اثر معمائی دانست. مؤلف خود به تصریح بیان می‌دارد که هدف از نگارش این رساله جمع‌آوری معماهایش بوده است نه شرح و توضیح قواعد معمائی؛ از این رو در بیان قواعد معمائی به اختصار بسیار اشاره‌ای به نام قاعده می‌نماید و اغلب در حد یک یا نیم سطر آن را توضیح می‌دهد. این رساله را می‌توان منبع مهمی برای تمرین و ممارست، یا آزمودن مهارت معماگشایی دانست.
۴. دستور معما حاوی ۶۵۰ معما در ۸۵۵ بیت است. مثنوی کوتاهی در ۶ بیت با صنعت بראعت استهلال با اصطلاحات معمائی در ابتدای رساله آمده که شاید تنها ابیات به جامانده از میرحسین باشد که معنای معمائی ندارد. در دستور معما اسامی و القاب شاهان، امیران، بزرگان و دولت‌مردان، دیگر شاعران، و هم‌چنین دوستان و آشنایان میرحسین مقصود معماها بوده است. افرادی چون امیر علی شیر نوایی،



مطالعات

مقالات علمی

اخبار و گزارشها

سلطان حسین بایقرا، عبدالرحمان جامی، اوحدی، ابن‌یمین، و دیگران. هر چهار دسته اعمال تحصیلی، تکمیلی، تسهیلی، و تزیینی در معماهای این رساله به کار گرفته شده‌اند، در حالی که در اغلب رسائل معمائی از جمله حلل مطرّز فقط سه دسته اول معرفی شده‌اند.



## پیوست‌ها: جداول و تصاویر

### جدول ۱. نسخه‌اساس و نسخه‌بدل‌ها

علامت اختصاری	شماره نسخه // محل نگهداری	نام کاتب // تاریخ کتابت
اساس	// ۴۴۹۵/۱ دانشگاه تهران	غیاث‌الدین جمشید معمائی // ۹۴۶ ق
مل	// ۱۴۷۱۸ ملی ایران	بدون نام کاتب // ۹۱۰ ق (جعلی)
ملی	// ۱۴۸۰۵ ملی ایران	محمد الحسینی // ۹۳۱ ق (محل تردید)
مر	// ۱۴۸۰۴/۱ کتابخانه مرعشی قم	بدون نام کاتب // ۹۴۰ ق
مج	// ۹۸۰۲ مجلس	اختیاربن حسن بن اسمعیل // ۹۴۶ ق
ملک	// ۴۸۳/۱ و موزه ملی ملک	خضرشاه بن شیخ یوسف‌شاه نیمردانی // ۹۵۰ ق
ملکی	// ۱۸۰۴/۵ کتابخانه و موزه ملی ملک	بدون نام کاتب // ۹۸۵ ق



## جدول ۲. خلاصه قواعد معنائی دستور معما

قاعده اصلی	قاعده فرعی
تخصیصی	<p><b>تنصیص و تخصیص:</b> حروفی که حصول به مقصود باشد بعضی از آن یا تمام آن به صریح مذکور شود و به نوعی از تصرفات متعین گردد. تنصیص عبارت از امر اول است و تخصیص اشارت به امر ثانی. تعیین مذکور شاید به اعمال دیگر مانند تحلیل باشد.</p> <p><b>تسمیه:</b> از اسم حرفی مسما خواهند و یا از مسما اسم حرف را اراده نمایند.</p> <p><b>تلمیح:</b> نشان دادن به حرفی یا بیشتر که در محلی مشهور مسطور باشد یا مذکور، چنانکه به کلام قرآنی تیمن جسسته از محلی یک حرف یا زیاده اراده نمایند. آنچه در این عمل کثیرالوقوع است نشان دادن ارقام تقویم که اهل تنجیم بنا بر اختصار و وضع کرده‌اند چنانچه از سبعة سیارات و بعضی عوارض آن مثل شرف و هبوط و اوج و حضیض؛ و از لیل و نهار نیز به حرف اخیر او اکتفا می‌نمایند. در ثبت ایام هفته از یکشنبه ابتدا نموده رقم او الف نهند و رقم دوشنبه بی و به همین ترتیب. از بروج رقم حمل صفر نگارند و از برای ثور الف و از برای جوزا بی و بر این قیاس تا حوت که رقم او یا الف باشد. تواند بود که به رقمی اشارت کنند و مرقوم‌له او خواهند.</p> <p><b>ترادف و اشتراک:</b> ترادف آن است که از دو لفظ یا بیشتر که برای یک معنی □ موضوع باشند، لفظی ذکر کنند و لفظی دیگر اراده نمایند به واسطه در موضوع‌له. اشتراک آنکه از یک لفظ که برای دو معنی یا بیشتر موضوع باشد، معنی‌ای که به اعتبار غیرمعنائی خواسته باشند به اعتبار معنائی مخالف آن خواهند. شاید که لفظی که مرادف آن خواهند به اعمال معنائی به حصول</p>



پیوند.

**کنایت:** بر دو قسم است: (۱) ایراد لفظی است و اراده لفظی دیگر به واسطه مفهومی که در موضوع له مراد است و لفظ مذکور را برای آن وضع نکرده باشند. (۲) ذکر لفظی است و اراده لفظی بی وساطت معنی بی آنکه دلالت اول بر ثانی به طریق تسمیه و تلمیح باشد یا ثانی موضوع له اول بود. و از قبیل کنایت است بعضی صور تکریر و این طریق شاید که به مثنی داشتن عبارتی باشد با اختلاف معنی. شاید که مضمونی را که دو بار اراده کرده باشند هر بار به شیئی دیگر اسناد نمایند عام‌تر از آنکه مضمون نسبت به هر یک معنی دیگر داشته باشد. تواند بود که اشارت به تکرار عبارتی نمایند زیاده از دو بار با مخالفت معنی اعم از آنکه آن اختلاف نسبت به بعضی باشد یا به همه. از قبیل کنایت است توسل جستن به اصطلاحات ارباب صناعات و علوم.

**تصحیف:** تغییر صورت رقمی حرفی یا بیشتر یا آنچه صلاحیت آن داشته باشد که از او حرف اراده نمایند، به محو یا به اثبات نقطه یا به هر دو. این بر دو قسم است و ضعی و جعلی. و ضعی آن است که لفظی آورده شود که مفهوم آن مشعر باشد به تغییر صورت رقمی محل تصرف بی تعرض به ذکر نقطه چون نقش و شکل و صورت و امثال آن. جعلی آنکه بی وسیله این الفاظ سیاق کلام را بر تغییر صورت کتابی دلالتی باشد و در این قسم ناچار است از ذکر نقطه. شاید که ادوات تصحیف به اعمال معمائی به حصول پیوند. شاید الفاظی که از آن به نقطه تعبیر کرده می‌شود به عملی از اعمال معمائی به حصول پیوند.

**استعاره و تشبیه:** ذکر لفظی و اراده حرفی یا بیشتر به واسطه مشابهت در صورت خطی به شرط آنکه آن مشابهت مشهور باشد یا ظهورش چنان باشد که ذهن از مذکور به مقصود به آسانی انتقال تواند نمود.



<p><b>حسابی:</b> بر ۵ اسلوب است: <b>حرفی:</b> اشارت به حرفی یا بیشتر و اراده عدد آن برای نوعی تصرف. <b>اسمی:</b> عبارت است از ذکر اسم عددی به قصد دلالت بر حرفی معین به ازای آن؛ <b>احصایی:</b> ذکر احوال و اوصاف عددی و اراده آن عدد؛ <b>انحصاری:</b> معدودی را که حصر آن در عدد معین مقرر و مشهور باشد ذکر کنند به وجهی که ذهن انتقال نماید به آن عدد. <b>رقمی:</b> اشارت به ارقام هندسی به وجهی که ذهن انتقال نماید به عددی که آن رقم برای آن تعیین رفته است.</p>	
<p><b>تألیف:</b> عبارت است از جمع کردن الفاظ متفرقه که در مواضع متعدده اندراج یافته باشد به جهت ترتیب اسم. منقسم می شود به دو قسم اتصالی و امتزاجی. <b>تالیف اتصالی:</b> به هم پیوستن اجزا است بی ظرفیت و مطروفیت. <b>تألیف امتزاجی:</b> اجتماع اجزا به دخول بعضی در بعضی حصول یابد.</p> <p><b>اسقاط:</b> عبارت است از عدم اعتبار حرفی یا زیاده از لفظی؛ جریان این دو عمل به دو طریق است عینی و مثلی. <b>عینی:</b> منقوص در ضمن منقوص منه تعیین یافته ساقط شود. <b>مثلی:</b> منقوص در غیر منقوص منه به وجهی از وجوه تعیین یافته و از درجه اعتبار ساقط گردد.</p> <p><b>قلب:</b> تغییر ترتیب حروف یا کلمات به جهت حصول مقصود. اگر حروف علی الترتیب منقلب گردد <b>قلب کل</b> خوانند و <b>القلب بعض</b> گویند. اگر تغییر در ترتیب کلمات باشد <b>قلب کلی</b> گویند.</p> <p><b>قلب و وضعی:</b> اگر لفظی آورده شود که مفهوم آن مشعر باشد به تغییر ترتیب مذکور چون لفظ عکس و گشتن قلب وضعی خوانند. اگر بی توسل به یکی از این الفاظ سیاق کلام را بر تغییر ترتیب دلالتی باشد، <b>قلب جعلی</b> گویند.</p>	تکمیلی
<p><b>انتقاد:</b> اشاره به بعضی اجزای لفظ به جهت تصرف در آن به وجهی از وجوه چنانچه عباراتی که فی الجمله دلالتی داشته باشد بر ابتدا یا وسط یا نهایت چون</p>	تسهیلی



سر و تاج و دل و مرکز و حد و غایت؛ از ایراد آن حرفی را اراده نمایند. الفاظی که فی‌الجمله دلالتی بر احاطه شیئی داشته باشند چون جامه و پوست و مانند آن ذکر کنند و مجموع اول و آخر خواهند. و دل‌ها و واسط‌ها ذکر کنند و مجموع مابین‌الطرفین اراده نمایند. ممکن است این الفاظ با دیگر تصرفات معمائی حاصل شود.

**تحلیل:** لفظی را که به اعتبار معنی غیرمعمائی مفرد باشد به معنی معمائی متجزی سازند به دو جزء یا بیشتر؛ و شاید که مراد از هر جزوی معنی باشد یا لفظ، یا از بعضی معنی و از بعضی لفظ. و ایضاً اجزا شاید که مستقل باشد یا هیچ یک مستقل نباشد یا بعضی مستقل باشد و بعضی غیرمستقل. شاید لفظی که عمل تحلیل به حصول پیوسته است نیز تحلیل یابد. شاید که ذکر ماده معما به اسلوب عربی باشد و به فارسی تحلیل یابد.

**ترکیب:** مجموع اجزایی که قبل از ترکیب به معنی غیرمعمائی یک لفظ نبوده است به معنای معمائی لفظی واحد اعتبار نمایند به شرط آنکه مراد از آن معنی باشد نه لفظ، خواه اجزای مرکب قبل از ترکیب مستقل باشد و خواه نه. شاید که ترکیب از عبارت فارسی به اسلوب عربی مستفاد شود.

**تبدیل:** بعض حروف را به بعضی بدل کنند بی و سیله تصحیف به شرط آنکه اسقاط زاید و ایراد مراد به جای آن از یک عبارت مستفاد گردد و الا از عداد تبدیل نخواهد بود. تواند بود که عمل تبدیل مبتنی بر منعکس شدن لفظی باشد.

**تحریک و تسکین:** حرفی را حرکتی ثابت دارند یا متحرکی را به مقام سکون آرند.

**تشدید و تخفیف:** حرفی را مشدد سازند یا تشدید از حرفی بیندازند.

تذییلی



**مدّ و قصر:** حرفی را ممدود ساختن یا مدّ از حرفی انداختن.

**اظهار و اسرار:** آن است که حرف مکتوبی را که در عبارت در نیاید به عبارت در آرند یا حرفی را به ابقای وجود کتابی از عبارت پوشیده دارند.

**معروف و مجهول:** اشارت کنند به معروف ساختن حرکتی که مجهول باشد یا مجهول گردانیدن حرکتی که معروف بود.

**تعریب و تعجیم:** چهار حرف پی چیم ژی و گاف را که مخصوص به لغت اهل عجم اند بدل کنند به حرف با و جیم و زی و کاف که مشترک اند میان زبان عربی و عجمی و یا برعکس.



جدول ۳. واژگان پرکاربرد در قاعده انتقاد

حروف طرفین	حروف میانی لفظ	یا حرف اول یا آخر	حرف آخر لفظ	حرف اول لفظ
جامه	باطن	کنج	ابد	ازل
گرد	دل، قلب	کنار، کران، گوشه	برگ	جبین، پیشانی
پیراهن	مرکز	سو، جانب	خاک	لب
محیط	میان، وسط		قدم	رخ
پوست	دل‌ها (دو حرف)		غایت، نهایت، آخر، اخیر	عارض، رو، وجه
			پا، ساق	سر، راس، مُخ
			حد، مرز	جیب، گریبان
			بیخ، اصل	شاخ
			دُرد	صاف
			دامن	تاج، کلاه، افسر
			سلخ	غُرّه

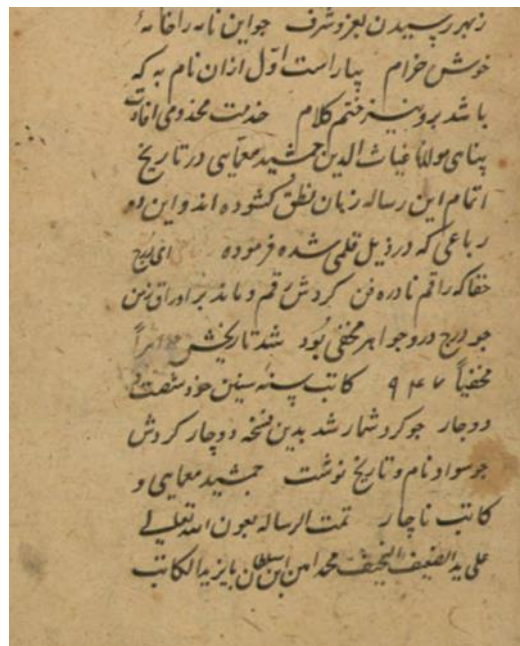


مطالعات

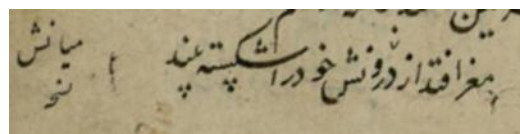
مقالات علمی

اخبار و گزارشها

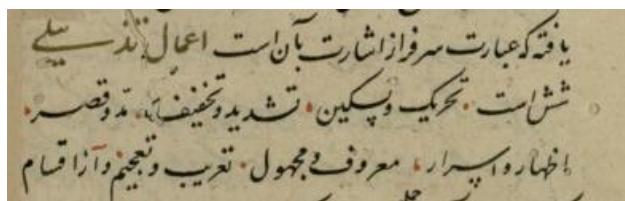
			زیر	زبر
			نشیب، حضيض	فراز، اوج
	عین، ع		لام، ل	فا، ف



تصویر ۱. ترقیمه نسخه ۱۵۹۵۷/۲ کتابخانه مجلس



تصویر ۲. صفحه ۸ نسخه اساس



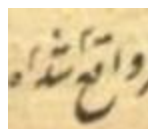
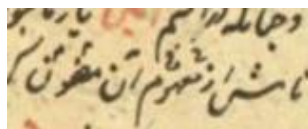
تصویر ۳. صفحه ۱۰۷ نسخه اساس؛ نمونه‌ای از نشانه‌گذاری با

شنگرف



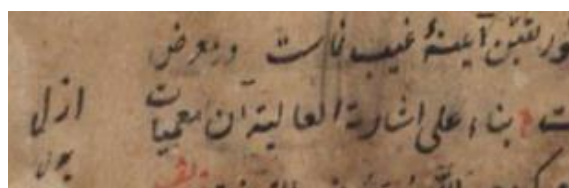
تصویر ۴. مهر نسخه ۱۴۸۰۵ کتابخانه

ملی

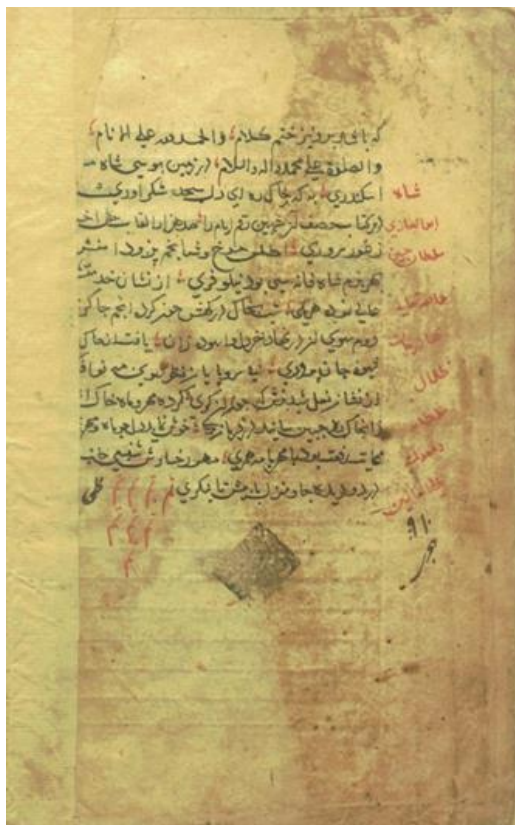


تصویر ۵. نمونه‌هایی از علائم اصلاحی نسخه ۱۴۸۰۵

کتابخانه ملی



تصویر ۶. صفحه ۲ نسخه ۱۴۸۰۴/۱ کتابخانه مرعشی



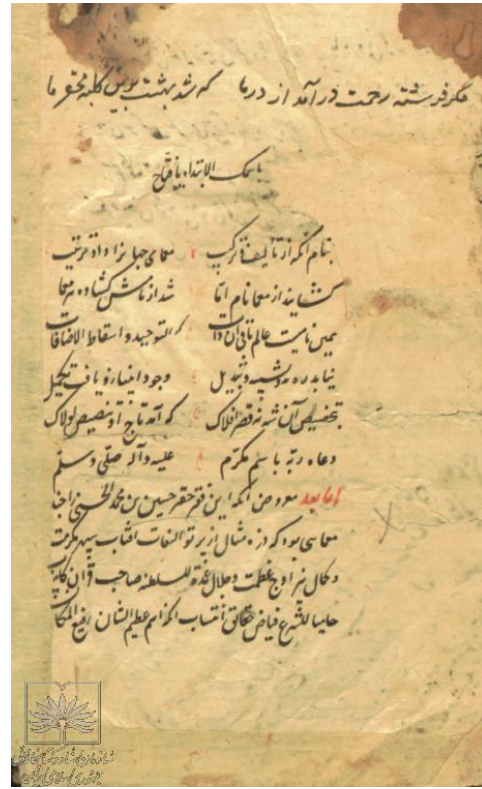
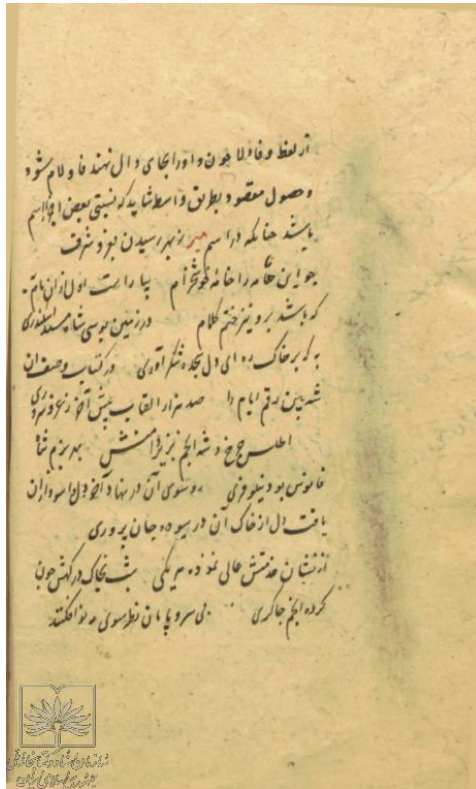
تصویر ۷. صفحه اول و آخر نسخه ۱۴۷۱۸ کتابخانه ملی با علامت «مل»



مطالعات

مقالات علمی

اخبار و گزارشها



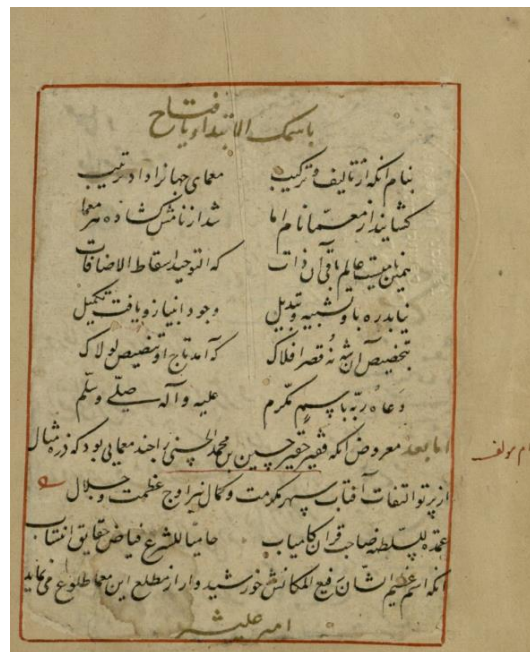
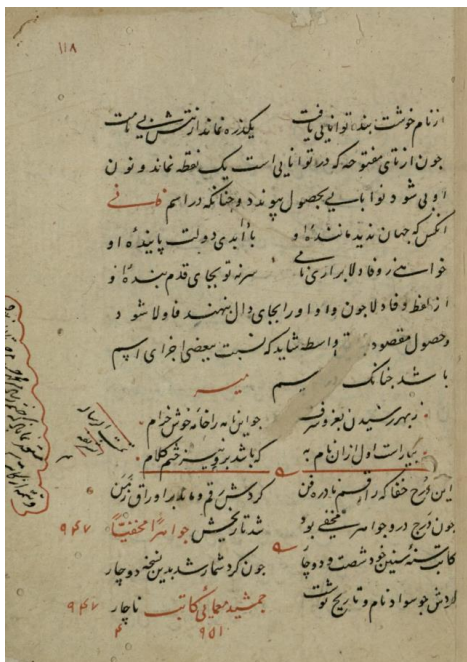
تصویر ۸. صفحه اول و آخر نسخه ۱۴۸۰۵/۱ کتابخانه ملی با علامت «ملی»



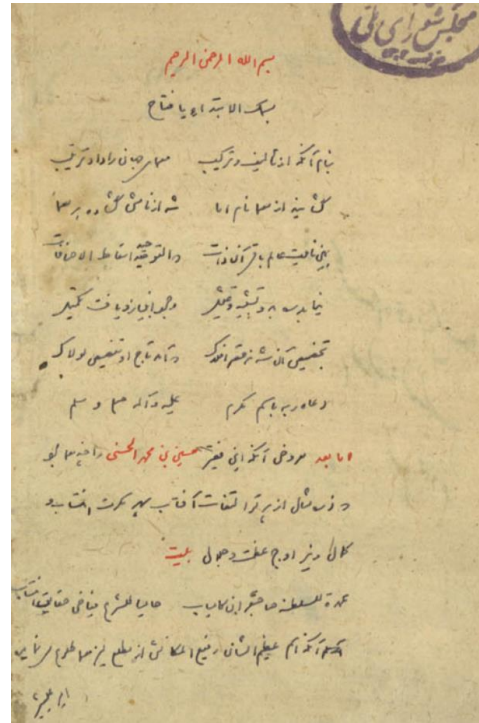
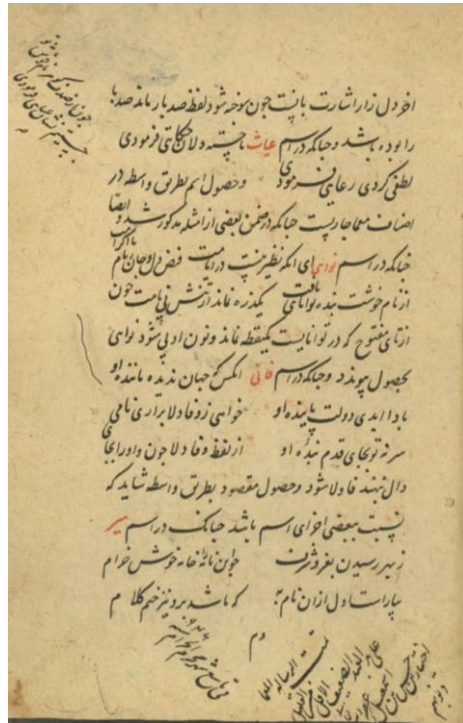
مطالعات

مقالات علمی

اخبار و گزارشها



تصویر ۹. صفحه اول و آخر نسخه اساس به شماره ۴۴۹۵/۱ دانشگاه تهران



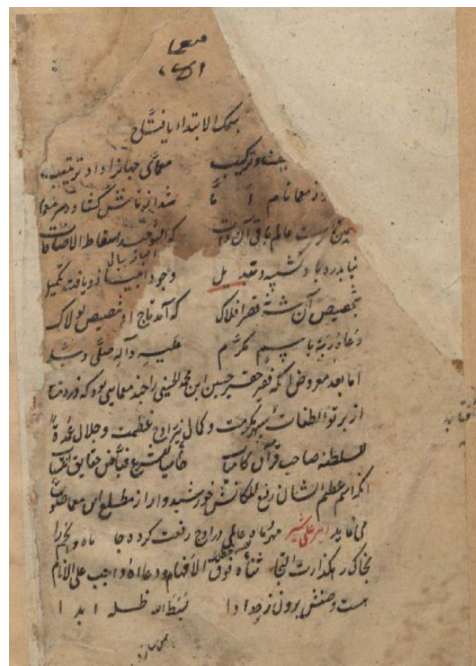
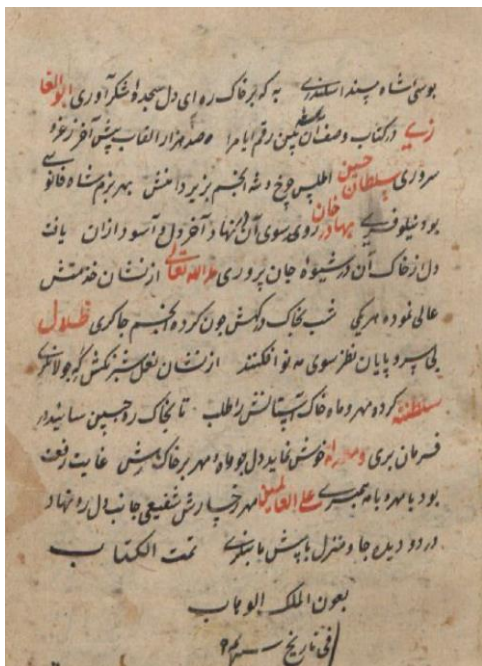
تصویر ۱۰. صفحه اول و آخر نسخه ۹۸۰۲ مجلس با علامت «مج»



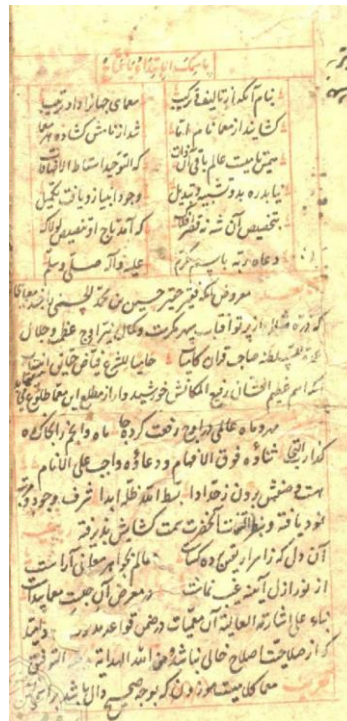
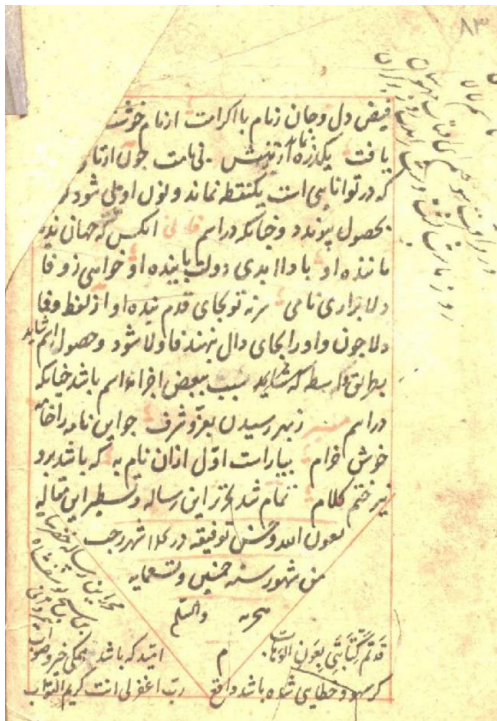
مطالعات

مقالات علمی

اخبار و گزارشها



تصویر ۱۱. صفحه اول و آخر نسخه ۱۴۸۰۴/۱ کتابخانه مرعشی با علامت «مر»



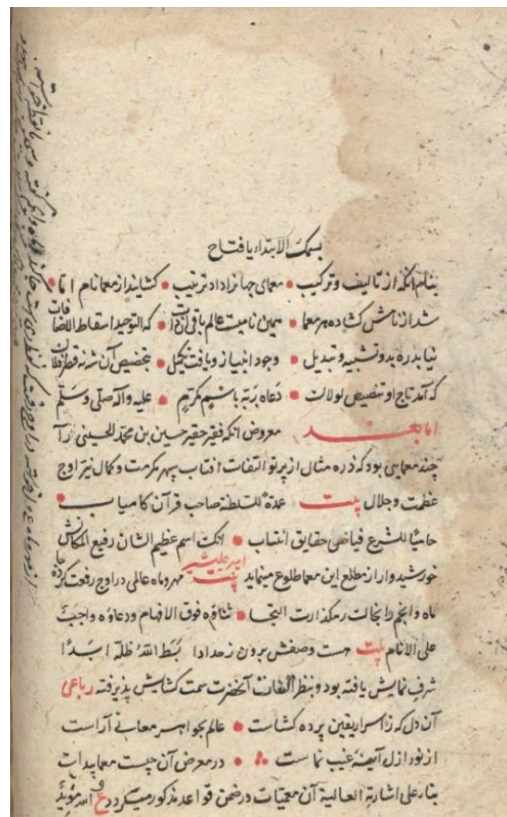
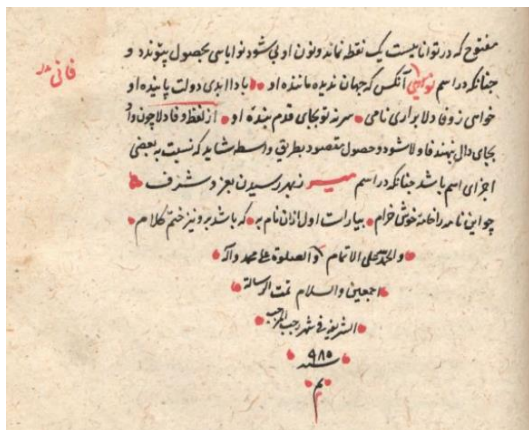
تصویر ۱۲. صفحه اول و آخر نسخه ۴۸۳/۱ کتابخانه ملک با علامت «ملک»



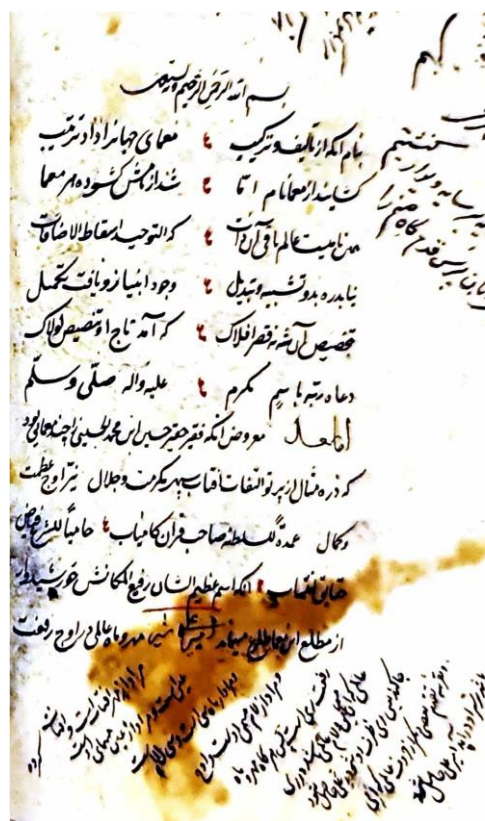
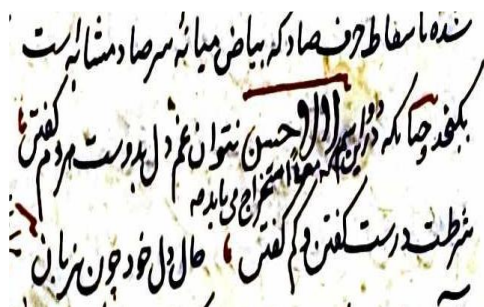
مطالعات

مقالات علمی

اخبار و گزارشها



تصویر ۱۳. صفحه اول و آخر نسخه ۱۸۰۴/۵ کتابخانه ملک با علامت «ملکی»



تصویر ۱۵. صفحه ۱۴ رساله منتسب به  
خط مؤلف (مجموعه دکتر زهیر طیب)

تصویر ۱۴. صفحه نخست رساله منتسب به  
خط مؤلف (مجموعه دکتر زهیر طیب)

### عدم تعارض منافع

نویسندگانی که نام‌هایشان ذکر شده است تأیید می‌کنند که هیچ وابستگی یا مشارکتی با هیچ سازمان یا نهادی که منافع مالی (مانند حق الزحمه؛ کمک‌های آموزشی؛ شرکت در سخنرانی‌ها؛ عضویت، استخدام، مشاوره، مالکیت سهام یا سایر منافع مالی؛ و شهادت کارشناسی یا ترتیبات مجوز اختراعات) یا منافع غیرمالی (مانند روابط شخصی یا حرفه‌ای، وابستگی‌ها، دانش یا باورها) در موضوع یا مواد مورد بحث در این دست‌نوشته ندارند.



## منابع و مآخذ

- الکر (آل کر؟)، محمد، [رساله در معما]، نسخه خطی شماره ۴۹۰/۲ کتابخانه ملک، به کتابت محمدبن حسین بن سلام الله ابرقویی، ۸۵۱ق.
- انوار، عبدالله، فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی ایران. تهران، کتابخانه ملی ایران، ۱۳۷۱، جلد ۴.
- انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن. تهران، سخن، ۱۳۸۲، ج ۶.
- باوقار زعیمی، الهام، ۱۳۸۹، تصحیح نسخه خطی حل معما اثر ضیای اردوبادی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نجف‌آباد، ۱۳۸۹، ۲۹۰ص.
- بدیع تبریزی، منوچهر، مطلوب الاحباب، نسخه خطی شماره ۴۹۰/۳ کتابخانه ملک، به کتابت محمدبن حسین بن سلام الله ابرقویی، ۸۵۱ق.
- جامی، نورالدین عبدالرحمان، حلیة‌الحلل مشهور به رساله کبیر، به اهتمام نجیب مایل هروی. مشهد، نوید، ۱۳۶۱، ۱۶۹ص.
- جهانبخش، جويا، راهنمای تصحیح متون، تهران، میراث مکتوب، ۱۳۷۸، ۱۰۶ص.
- حبیبی افغانی، عبدالحی، تاریخ‌گویی به تعمیم در اشعار قدیم دری، به اهتمام محمد سرور. کابل، آکادمی علوم افغانستان، مرکز علمی و تحقیقی زبان‌ها و ادبیات دپارتمان دری، ۱۳۶۰، ۴۰ص.
- حیدر میرزا دوغلات، محمد، تاریخ رشیدی، تصحیح عباس‌قلی غفاری فرد. تهران، میراث مکتوب، ۱۳۸۳، دویست و یازده و ۸۵۹ص.
- خواندمیر، غیاث‌الدین، مآثرالملوک به ضمیمه خاتمه خلاصه‌الخبار و قانون همایونی، تصحیح میرهاشم محدث. تهران، خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۲، ۳۷۲ص.
- درایتی، مصطفی، فهرستواره دست‌نوشته‌های ایران (دنا). تهران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۹، ۱۲ج.
- \_\_\_\_\_، فهرستگان نسخ خطی ایران (فنخا). تهران، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، ۱۳۹۲، ۱۵ج.



مطالعات

مقالات علمی

اخبار و گزارشها

- دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه، زیر نظر محمد معین، جعفر شهیدی. تهران، دانشگاه تهران، سازمان لغت‌نامه، ۱۳۷۷، ۱۵ ج.
- روملو، حسن، احسن التواریخ، تصحیح و تحشیه عبدالحسین نوائی. تهران، اساطیر، ۱۳۸۴، ۳ ج.
- شمیل‌پور، هادی، نقد و تصحیح حلل مطرز در فن معما و لغز، پایان‌نامه دکتري، دانشگاه پیام نور، واحد تهران، ۱۳۹۴، ۷۰۵ ص.
- فخری هروی، لطایف‌نامه: ترجمه مجالس النفائس امیر علی‌شیر نوائی، تصحیح و تحقیق هادی بیدکی. تهران، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، سخن، ۱۳۹۸، ۶۵۴ ص.
- کمالی‌فرد، مژده، طالبیان، یحیی، «قدیم‌ترین رساله معمائی فارسی»، پژوهش‌های نسخه‌شناسی و تصحیح متن، دوره ۱ شماره ۲، ۴۳-۵۸، مهر ۱۴۰۱.
- مایل هروی، نجیب، نقد و تصحیح متون: مراحل نسخه‌شناسی و شیوه‌های تصحیح نسخه‌های خطی فارسی. مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۶۹، ۵۰۴ ص.
- -----، تاریخ نسخه‌پردازی و تصحیح انتقادی نسخه‌های خطی. تهران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۰، ۶۷۲ ص.
- معلوف، لویس، المنجد عربی - فارسی، ترجمه محمد بندرریگی. تهران، ایران، ۱۳۸۴، ۲ ج.
- نصرآبادی، محمدطاهر، تذکره نصرآبادی: تذکره الشعرا به انضمام رسائل، منشآت و اشعار، مقدمه و تصحیح و تحشیه محسن ناجی نصرآبادی. تهران، اساطیر، ۱۳۷۸، ۲ ج.
- واله داغستانی، علیقلی، تذکره ریاض الشعرا، به تصحیح و تحقیق محسن ناجی نصرآبادی. تهران، اساطیر، ۱۳۸۳، ۲ ج.